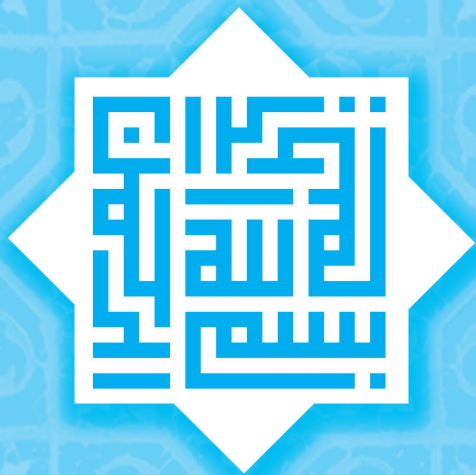


امام رضا علیه السلام: الامامُ كالشمسِ الطالعة

نشانه‌های آفتاب

نگاهی گذرا به پنج آیه پیرامون ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام







شناسنامه

نام کتاب: نشانه‌های آفتاب

مؤلف: هادی غلامرضائی

ویراستار ادبی: علی رحیمیان

ویراستار علمی: بنیاد فرهنگی امامت تهران

صفحه آرایشی: گروه هنری رسا

صاحب اثر: موسسه فرهنگی هنری سرو امید





۹	سرآغاز
۱۱	مقدمه
۱۳	پیش‌گفتار
۲۳	آیه نخست: آیه تبلیغ
۳۵	آیه دوم: آیه اکمال دین
۴۳	آیه سوم: آیه عذاب
۴۸	آیه چهارم: آیه ولایت
۶۶	آیه پنجم: آیه مباحله
۸۸	کتاب‌نامه
۹۳	فهرست تفصیلی



سرآغاز

حضرت محمد ﷺ در روز عید سعید غدیر خم پس از ابلاغ پیام الهی و معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان امام و رهبر اُمّت اسلامی، همه مسلمانان را تا روز قیامت، موظف به نشر پیام غدیر نمودند: «فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱. از این رو موسسه فرهنگی هنری سرو امید با همکاری سازمان رسیدگی به امور مساجد تهران بر آن شد در قالب برگزاری یک مسابقه کتابخوانی با موضوع «آیات امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام که در ماه ذی‌الحجه نازل شده‌اند»، به سهم خود به این دستور نبوی جامه عمل بپوشاند. با این حال چون کتابی که به صورت علمی و به‌روز، و در عین حال ساده و مختصر به بررسی این آیات پرداخته باشد، یافت نشد، تصمیم گرفته شد کتابی ویژه این مسابقه با موضوع و ویژگی‌های مورد نظر به نگارش در بیاید. از این رو زحمت این کار بر عهده جناب آقای هادی غلامرضائی، دانش‌آموخته بنیاد

۱. پیامبر خدا ﷺ در روز غدیر فرمودند: «باید حاضرین پیام من درباره ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را به غایبین، و پدران و مادران به فرزندان خویش تا روز قیامت برسانند».

امامت، گذاشته شد و خوشبختانه در کمترین زمان ممکن و به بهترین نحو، کتابی با ویژگی‌های مورد نظر به نگارش درآمد.

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از زحمات مسئولین «بنیاد امامت تهران» که در زمینه نشر این اثر از هیچ کوششی دریغ نکردند، تقدیر و تشکر نمائیم.

مدیر عامل موسسه فرهنگی هنری سرو امید

مقدمه

دوازدهمین و آخرین ماه سال هجری قمری، ذی‌الحجه است که چون همزمان با فریضه حج است، به این نام مشهور شده است. ویژگی دیگر این ماه این است که در کنار ماه‌های «ذی‌القعدة»، «مُحَرَّم» و «رَجَب» از ماه‌های حرام شمرده شده که احترام خاصی دارند و جنگ در آنها حرام می‌باشد. ما در این نوشتار دنبال هیچ‌کدام از این دو ویژگی مهم این ماه، نیستیم و ویژگی مهمتری را قصد کرده‌ایم. با نگاهی به تاریخ و روزشمار ماه ذی‌الحجه، مشخص می‌شود که این ماه ارتباط عمیقی با مسأله امامت و ولایت دارد. این ارتباط را می‌توان از دو جهت بررسی کرد: هم آخرین حج پیامبر خدا ﷺ در این ماه است و آن حضرت در آن به دستور خدای تعالی، جانشین خود را به صورت علنی و رسمی معرفی کردند، و هم مهمترین آیات و روایات مشخص‌کننده تکلیف مسأله امامت و رهبری امت اسلامی در این ماه نازل و صادر شده‌اند؛ به گونه‌ای که دهه سوم این ماه، «دهه ولایت و امامت» نام گرفته است. از این‌رو بر آن شدیم در این نوشتار به شرح و تبیین رخدادهای

امامتی ماه ذی‌الحجّه بپردازیم.

اما از آن‌جا که سرتاسر این ماه از ابتدا تا انتها پُر است از روزهای امامتی و در این نوشتار کوتاه، گنجایش همه آنها نبود، ناگزیر به برخی از آیات قرآنی پیرامون امامت امیرالمؤمنین علیه السلام که در این ماه نازل شده‌اند و نسبت به مابقی آیات امامتی از اهمیت بالاتری برخوردار هستند، پرداختیم.

در پایان از باب «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ»^۱ از همه بزرگواری که به گونه‌ای در نگارش و نشر این نوشتار، سهمی داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود؛ به‌ویژه حجت الاسلام «شیخ علی رحیمیان» که زحمت ویرایش ادبی این کتاب را کشیدند؛ و مسئولین محترم «بنیاد امامت تهران»، حجج اسلام و المسلمین «شیخ محمّد کاظم نوری» و «سید محمّد جواد جلالی» که در فرآیند نگارش این متن، نکات ارزنده‌ای را گوشزد نمودند و در زمینه نشر آن از هیچ کمکی فروگذار نکردند.

هادی غلامرضائی

۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۰

۱. کسی که از بنده خدا تشکر نکند از خدا تشکر نکرده است.

پیش‌گفتار

پیش از طرح مهمترین آیات امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و بررسی تک‌تک آنها، به چند نکته به عنوان پیش‌نیاز بحث اصلی، اشاره می‌شود:

نکته اول: خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و یا مردم؟

در اینکه در هر زمانی باید امامی باشد، میان مسلمانان، اختلافی نیست^۱، اما در اینکه انتخاب امام بر عهده چه کسی است، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. شیعه معتقد است: تعیین امام تنها بر عهده خداست، نه مسلمانان و نه حتی

۱. حدیثی از مهمترین کتاب‌های حدیثی فریقین وجود دارد، که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ هر کسی که بمیرد و بر گردنش بیعت [امامی] نباشد، به مرگ جاهلی مرده است». (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۷۳؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۸۷۴)

شخص پیامبر خدا ﷺ. اما اهل سنت بر این باورند که نه خدا و نه پیامبرش کسی را به عنوان امام و جانشین مشخص نکردند و اساساً انتخاب امام، بر عهده مردم گذاشته شده است.^۱

نکته دوم: انتخاب امام بر عهده چه کسی است؟!

با مراجعه به قرآن کریم که مورد قبول همه مسلمین است و از هر گونه تحریف و تغییری به دور می‌باشد^۲، مشخص می‌شود که: سنت الهی به این تعلق گرفته انتخاب امام به دست خداوند ﷻ باشد، از این‌رو در هیچ‌کدام از ادیان گذشته، گزارش نشده که پیامبران الهی ﷺ، خودشان و یا امتشان، اجازه یافته باشند امام، خلیفه و رهبر جامعه را انتخاب کنند. برای نمونه به چند آیه در این زمینه اشاره می‌شود:

«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً^۳؛

و چون پروردگار تو به فرشتگان فرمود: من در زمین جانشین خواهم گذاشت.»

۱. در پاسخ این باور اهل سنت می‌گوییم: با توجه به اینکه یکی از ویژگی‌های اساسی امام، «عصمت» است و این امر توسط مردم قابل تشخیص نیست، بنابراین مردم اصلاً توانایی انتخاب امام را ندارند.

۲. إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿حجر، آیه ۹﴾؛ همانا ما قرآن را نازل کردیم، و یقیناً ما نگهبان آن هستیم.

۳. ﴿بقره، آیه ۳۰﴾

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾؛ و چون خداوند ابراهیم را با کلماتی آزمود، و وی همه آن را به انجام رسانید [خداوند ﷻ به او] فرمود: من تو را برای مردم امام و پیشوا قرار دادم.»

﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ﴾؛ [خداوند فرمود] ای داود! همانا ما تو را در زمین جانشین و خلیفه قرار دادیم.»

﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا﴾؛ و پیامبرشان به آنان گفت: خدا طالوت را برای شما به زمامداری برانگیخت.»^۱

مراجعه به روایاتی که در کتب روایی معتبر شیعه و اهل سنت از پیامبر خدا ﷺ نقل شده، این امر را روشن و آشکار می‌سازد که در مسأله امامت و خلافت، نه تنها مسلمانان، بلکه خود آن حضرت هم نقشی نداشتند و مسأله تعیین امام و انتخاب خلیفه، تنها بر عهده خداست. برای نمونه توجه کنید:

هنگامی که پیامبر خدا ﷺ قبیله «بنی عامر بن صعصعه» را

۱. ﴿بقره، آیه ۱۲۴﴾

۲. ﴿بقره، آیه ۲۴۷﴾

۳. برای مشاهده موارد بیشتر به آیات ۷۳ سوره انبیاء ﷻ، ۲۴ سوره سجده، ۵ سوره قصص، ۷۴ سوره فرقان و ... مراجعه شود.

به اسلام دعوت کرد، آنها گفتند: ما تنها در صورتی مسلمان می‌شویم که جانشین پس از شما از قبيله ما باشد! با وجود اینکه ۴۰۰ جنگجوی آماده برای دفاع از پیامبر ﷺ و مسلمانان مکه در قبيله بنی‌عامر وجود داشت و مسلمانان به شدت نیازمند چنین افرادی بودند، حضرت، دندان طمع کسانی که دنبال ریاست و امامت بر مسلمین بودند را کردند و فرمودند:

«این امر [تعیین جانشین پیامبر ﷺ] بر عهده خداست و او آن را هر کجا که بخواهد قرار می‌دهد».^۲

بنابراین از نگاه آیات قرآن و روایات مورد قبول شیعه و اهل سنت، مشخص است که مسأله انتخاب امام، تنها بر عهده خدا است و نه تنها مردم، بلکه شخص پیامبر خدا ﷺ نیز در این امر نقشی نداشته‌اند.

نکته سوم: جانشین پیامبر خدا ﷺ کیست!؟

پس از اینکه مشخص شد جانشین پیامبر ﷺ و مسأله امامت باید از سوی خدا مشخص و معرفی شود، این سوال پیش می‌آید که خداوند ﷻ چه کسی را به عنوان خلیفه و جانشین

۱. برای پی بردن به اهمیت این قبيله و قدرت آنها توجه داشته باشید که سپاه پیامبر خدا ﷺ در جنگ بدر که تقریباً ده سال پس از این واقعه رخ داد، تنها متشکل از ۳۱۳ نفر بود.

۲. طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۲، ص ۳۵۰: «الأمَرُ إِلَى اللَّهِ يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ».

پیامبر خدا ﷺ و امام پس از ایشان، برگزیده است؟

دقت در آیات قرآن کریم و روایات کتب شیعه و اهل سنت، این نکته را مشخص می‌کند که موارد فراوانی وجود دارد که در آنها به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم^۱ به مسأله جانشینی پیامبر ﷺ پرداخته شده و شخص خلیفه و امام از سوی خدا معرفی شده است.

در میان این موارد فراوان، یک مورد از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و قصد ما هم در بخش نخست این نوشتار، بیان ماجرای همین واقعه است؛ اما پیش از پرداختن به آن، تذکر مطلبی مهم، لازم است:

بر خلاف تصوّر نادرست رایج، مسأله معرفی جانشین پیامبر خدا ﷺ اختصاصی به اواخر عمر شریف آن حضرت و روز غدیر ندارد؛ بلکه از آغاز ظهور اسلام و در کنار دعوت به اموری همچون توحید، نبوّت، معاد و ... مورد توجه بوده و تکلیف آن در آیات و روایات مشخص بوده است.

پیامبر ﷺ در همان روزهای نخست تبلیغ علنی دین اسلام - که به «یَوْمُ الدَّار»^۱ مشهور شد - جانشین، امام و رهبر پس

۱. دانشمندان علم کلام، ادله امامت را به دو دسته نصّ جلیّ و نصّ خفیّ تقسیم کرده‌اند که ما در این نوشتار از آنها با عنوان مستقیم و غیر مستقیم یاد کرده‌ایم.

از خودشان را معرفی کردند. ماجرا از این قرار بود که پس از سه سال دعوتِ پنهانی و مخفیانه در مکه مکرمه، با نزول آیه انذار^۲ پیامبر خدا ﷺ موظف به تبلیغ علنی و شروع آن از میان خاندان خود گردید. آن حضرت با کمک امیرالمؤمنین علیه السلام چهل نفر از فرزندان عبدالمطلب علیه السلام را دعوت کرده و پس از صرف غذا^۳، فرمودند:

«ای فرزندان عبدالمطلب! به خدا قسم در میان عرب، جوانی را سراغ ندارم که چیزی بهتر از آنچه من برای شما آورده‌ام، برای قومش آورده باشد. من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام. خدا به من فرمان داده تا شما را به سوی او فرا بخوانم، اکنون کدام‌یک از شما مرا یاری می‌کند تا برادر، وصی و جانشین من در میان شما پس از من باشد؟».

از کسانی که در آن مجلس حاضر بودند، تنها علی بن‌ابی‌طالب علیه السلام که حدود ۱۳ سال از عمر شریفشان می‌گذشت، اعلام آمادگی کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز درباره ایشان فرمودند:

«این برادر، وصی و جانشین من در میان شماست. سخن او

۱. روزخانه. از این روز علاوه بر عنوان «یوم الدار» با عنوان «یوم الإنذار» (روز هشدار) نیز یاد شده است.

۲. «أَنْذِرُ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ؛ خویشان نزدیکت را هشدار ده» «شعراء، آیه ۲۱۴»

۳. حضرت صلی الله علیه و آله در یک معجزه با غذای اندکی که تنها برای سیر کردن چند نفر کافی بود، همه آن ۴۰ نفر را سیر ساختند و مقداری غذا هم اضافه آمد.

را بشنوید و از او اطاعت کنید»^۱.

صراحت این سخن پیامبر ﷺ در ولایت و امامت امیرالمؤمنین ﷺ و لزوم اطاعت مسلمانان از ایشان به اندازه‌ای بود که مهمانان هنگام ترک جلسه، به حضرت ابوطالب ﷺ می‌گفتند: «از این به بعد باید از پسرت اطاعت کنی و به حرف او گوش بدهی»^۲.

نکته چهارم: آیات و روایات امامتی

پس از ماجرای «یوم الدار» و تا روز عید سعید غدیر خم، هم خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم، و هم پیامبر ﷺ در موارد فراوانی به مسأله امامت و رهبری امت اسلامی پرداخته و تکلیف آن را به صورت کاملاً آشکار مشخص ساخته‌اند. ما در این بخش به صورت مختصر به برخی از آن آیات و روایات اشاره می‌کنیم:

با مراجعه به قرآن کریم بدست می‌آید که: آیات فراوانی بر مسأله امامت و ولایت امیرالمؤمنین ﷺ، عصمت آن حضرت، علم فراوان آن امام همام و ولایتی شبیه ولایت خدا و پیامبر خدا ﷺ داشته‌اند. آن حضرت دلالت می‌کند که به برخی از آنها اشاره می‌شود: «اِشْتَرَاء»^۱، «وَلَايَت»^۲، «أُولُو الْأَمْرِ»^۳، «تَطْهِير»^۴ «مُبَاهِلَه»^۵،

۱. «إِنَّ هَذَا أَحِبُّ وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ فَاسْمَعُوا لَهُ وَاطِيعُوا»

۲. طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۲، ص ۳۲۱

«مَوَدَّتْ»^۶؛ «أهل الذِّكْرِ»^۷؛ «صَادِقِينَ»^۸ و ...^۹.

مطابق این آیات، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام هم‌تراز و در راستای ولایت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده شده و اطاعت بی‌چون و چرا همه مسلمانان از ایشان واجب شده است.^{۱۰}

در کنار آیات الهی، مراجعه به روایات فریقین (شیعه و اهل سنت) این مطلب را روشن می‌کند که: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که به حکم قرآن کریم «از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید و گفتارش چیزی جز وحی که به او نازل می‌شود، نیست»^{۱۱} نیز همگام با قرآن، در موارد گوناگونی، همگان را از مقام و منزلت والای امیرالمؤمنین علیه السلام آگاه کرده بودند. احادیثی همچون «ثقلین»، «سفینه»^۱، «طیر مَشْوِی»^۲، «مدینه‌العلم»، «رَأِیْت»^۳،

۱. «بقره، آیه ۲۰۷»

۲. «مائده، آیه ۵۵»

۳. «نساء، آیه ۵۹»

۴. «احزاب، آیه ۳۳»

۵. «آل عمران، آیه ۶۱»

۶. «شوری، آیه ۲۳»

۷. «انبیاء، آیه ۷»

۸. «توبه، آیه ۱۱۹»

۹. متن و ترجمه این آیات در پایان کتاب در پیوست شماره دو آمده است.

۱۰. توضیح و شرح مفصل این آیات و نحوه استدلال شیعه به آنها از حوصله این کتاب خارج است؛ دوستان برای مباحث تفصیلی می‌توانند به کتاب فارسی «جوهر الکلام فی معرفه الامامه و الامام» آیت الله سیدعلی میلانی (مَنْظَرَه) مراجعه کنند.

۱۱. «نجم، آیات ۳ و ۴»

«ضربَةُ عَلِيٍّ»، «سَدُّ الْأَبْوَابِ»، «مَنْزِلَتُ»، «وَلَايَتُ» و ... همگی از همین قبیل هستند.^۴

دقت در این احادیث به ما می‌فهماند که: امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ هم‌سنگ قرآن و تنها راه نجات از گمراهی^۵، کشتی نجات امت و تنها راه نجات از هلاکت و نابودی^۶، محبوب‌ترین آفریده خدا و برتر از همه صحابه^۷، دروازه شهر علم نبوی^۸ و ... بوده اند و نیازی به گفتن نیست که با وجود ایشان، امامت و خلافت به شخص دیگری نمی‌رسد.

۱. کشتی

۲. مرغ بریان

۳. پرچم

۴. متن و ترجمه این احادیث در پایان کتاب در پیوست شماره سه آمده است.

۵. حدیث ثقلین

۶. حدیث سفینه

۷. حدیث طیر مَشْوِی

۸. حدیث مدینه العلم

آیه نخست: آیه تبلیغ

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»^۱

ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت [درباره ولایت و رهبری امیرالمؤمنین علیه السلام] بر تو نازل شده ابلاغ کن؛ و اگر انجام ندهی پیام خدا را نرسانده‌ای. و خدا تو را از [آسیب و گزند] مردم ننگه می‌دارد؛ قطعاً خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند».

آخرین جایگاه اعلان عمومی امامت

با وجود اینکه خداوند ﷻ و پیامبر خدا ﷺ در طول بیست و سه سال نبوت و رسالت با آیات و روایات متعدد، تکلیف مسلمانان در مسأله امامت و خلافت را مشخص، و شخص امام و خلیفه پس از پیامبر ﷺ را به صراحت معرفی کرده بودند، اما باز هم در آخرین سال عمر شریف نبوی ﷺ به دستور خداوند ﷻ، اجتماعی شکل گرفت که به فرموده حضرت صدیقه شهیده علیها السلام، خداوند ﷻ پس از آن در مسأله امامت، حُجَّت را بر همگان تمام و در موضوع رهبری پس از پیامبر ﷺ برای هیچ کس، عذر و بهانه‌ای باقی نگذاشت.^۱

پس از نازل شدن آیه ۲۷ سوره مبارکه حج مبنی بر دعوت همگانی به سوی حج، پیامبر خدا ﷺ دستور دادند به مردم با آوازهای بلند اعلام نمایند که پیامبر ﷺ به حج خواهد رفت؛ و این سفر، آخرین حج ایشان می‌باشد؛ هر کسی توانائی دارد، حاضر شود. همچنین آن حضرت اطرافیان شهر مدینه و اعراب بادیه‌نشین را با نامه، خبردار کردند.

۱. صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۷۳: «وَهُلْ تَرَكَ أَيْبَى يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لِأَخْدِ عُدْرًا؛ آیا پدرم در روز غدیر خم برای احدی جای عذر و بهانه‌ای باقی گذاشت؟».
۲. «وَأَذَّنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ؛ مردم را به حج اعلام کن و دعوت عمومی نما تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر از هر راه دور به سوی خانه خدا بیایند».

مردم بسیاری جمع شدند و هنوز چهار روز به ماه ذی‌الحجه مانده بود که پیامبر ﷺ با حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، سروران جوانان اهل بهشت امام حسن و امام حسین علیهم السلام و همه همسرانشان از مدینه برای حجة الوداع، خارج شدند.

در ابتدای سفر امیرالمؤمنین علیه السلام برای انجام ماموریتی به دستور پیامبر ﷺ به یمن رفته بودند، اما چند روز بعد، آن حضرت نیز به پیامبر صلی الله علیه و آله ملحق شدند.

در بازگشت از حجة الوداع^۱ و در راه مکه به مدینه، پیامبر صلی الله علیه و آله به دستور خداوند جل جلاله مأمور می‌شوند تا برای اولین بار به صورت رسمی و عمومی، امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را ابلاغ کرده و از مردم نسبت به پذیرش رهبری و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت بگیرند. آن حضرت این دستور الهی را به تاخیر انداختند و علت آن هم این بود که هنوز زمان زیادی از مسلمان شدن بیشتر مردم نمی‌گذشت و کم و بیش آثار جاهلیت در آنها دیده می‌شد.^۲

همچنین آن حضرت نگران بودند که مبادا در اثر تبلیغات

۱. به واپسین حج پیامبر ﷺ که در آخرین سال عمر شریف ایشان، برگزار شد و ایشان در آن با مسلمانان وداع کردند، «حجة الوداع» یا «حجة البلاغ» گفته می‌شود.

۲. عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۳۳۳

منفی منافقین^۱، مسلمانان گمان کنند که ایشان ﷺ، داماد و پسر عموی خود را، نه به دستور خداوند بلکه به خواست خود، به عنوان رهبر بعدی مسلمانان، معرفی کرده، و در نتیجه ایشان را تکذیب کرده و بخاطر همین مرتد شوند؟^۲ از این رو پیامبر ﷺ ابلاغ پیام خدا را به تاخیر انداختند تا اینکه خداوند ﷻ با نزول آیه «تبلیغ»^۳، نگرانی پیامبر ﷺ را برطرف ساخت:

«ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت [درباره ولایت و رهبری امیرالمؤمنین ﷺ] بر تو نازل شده ابلاغ کن؛ و اگر انجام ندهی پیام خدا را نرسانده‌ای. و خدا تو را از [آسیب و گزند] مردم ننگه می‌دارد؛ قطعاً خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند»^۴.

پس از نزول این آیه شریفه، پیامبر خدا ﷺ دستور توقف داده و فرمودند: کاروان‌هایی که جلوتر رفته‌اند، برگردند و منتظر ماندند کاروان‌هایی که هنوز نرسیده‌اند، برسند. پس از رسیدن همه مسلمانان حاضر در آن زمان و مکان، پیامبر ﷺ به مؤذن دستور دادند که اذان بگوید.

۱. وَ مِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ ﴿۱۰۱﴾ توبه، آیه ۱۰۱؛ و گروهی از بادیه نشینانی که پیرامونتان هستند منافق اند؛ و نیز گروهی از اهل مدینه بر نفاق خو گرفته‌اند.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۸۹

۳. برخی از این آیه با عنوان آیه «بلاغ» یاد کرده‌اند.

۴. «مائدة، آیه ۶۷»

با جمع شدن مردم و شکل گرفتن بزرگترین اجتماع مسلمانان در زمان حضور پیامبر ﷺ، حضرت شروع به سخنرانی و ایراد خطبه نمودند و در آن از نزدیکی زمان مرگشان، خبر دادند:

«خداوند مهربان و آگاه به من خبر داده است که من و شما همه خواهیم مُرد؛ گویی از سوی پروردگار دعوت شده‌ام بنابراین، دعوت وی را اجابت می‌کنم».^۲

در ادامه پیامبر ﷺ از جمع حاضر پرسیدند:

«آیا من پیامبر نسبت به شما مردم از خودتان صاحب اختیار تر^۳ نیستم؟».^۴

مردم همگی پاسخ دادند: بله. آن حضرت پس از پاسخ مسلمانان حاضر، مسأله امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را ابلاغ کردند:

«فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»^۵؛ هر کس که

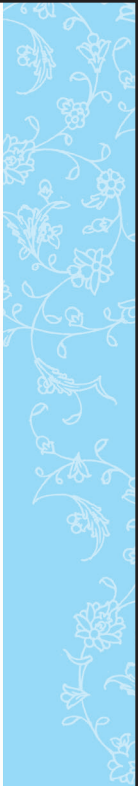
۱. اشاره به آیه ۳۰ سوره مبارکه زمر: «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ؛ بی تردید تو می‌میری و قطعاً آنان هم می‌میرند».

۲. صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۶۶

۳. اشاره به آیه: «الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (أحزاب، آیه ۶)؛ پیامبر ﷺ نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است».

۴. «أَلَسْتُ أُولَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ»

۵. أحمد بن حنبل، مُسنَد، ج ۲، ص ۲۶۲؛ این حدیث در سه کتاب از صحاح بیته اهل سنت، سنن ابن ماجه، سنن ترمذی و سنن نسائی نیز آمده است.



من مولی و صاحب اختیار او هستم، این علی علیه السلام هم مولی و صاحب اختیار اوست»^۱.

شاید بتوان گفت: این عبارت، مهمترین بخش خطبه غدیر خم و رُکن اساسی آن است که معمولاً از آن با عنوان «حدیث غدیر» یاد می‌شود.

دلالت حدیث غدیر بر امامت امیر المؤمنین علیه السلام

در این بخش به چگونگی دلالت حدیث غدیر بر امامت و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام می‌پردازیم و به اشکالاتی که در این زمینه مطرح شده است، پاسخ می‌دهیم:

آیا می‌توان با حدیث غدیر، امامت امیر المؤمنین علیه السلام را اثبات کرد؟

واژه «مولی» در حدیث غدیر به معنای «سرپرست و صاحب اختیار» است و نمی‌توان مدعی شد مراد از آن، اموری همچون «محبت و دوستی» و یا «نصرت و یاری» است.

مهمترین دلیل‌های ما درباره اینکه «واژه «مولی» در این حدیث به معنای «سرپرست»، می‌باشد، بر این پایه است:

۱. در اعتبار این بخش حدیث همین بس که عالم متعصب اهل سنت، شمس‌الدین ذهبی، آن را متواتر و قطعی‌الصدور از پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته است: «... الحدیث متواتر، اتیقن ان رسول الله صلی الله علیه و آله قاله» (ذهبی، البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۲۱۴)

۱. پیامبر ﷺ نخست به آیه ۶ سوره احزاب^۱ که درباره حق ریاست^۲، اولویت و تقدّم ایشان بر همه مومنین در تمام امور دین و دنیا است^۳، اشاره کردند و سپس فرمودند: «فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»؛ بنابراین همان ولایتی که در این آیه شریفه، برای پیامبر ﷺ ثابت شده، به فرمان الهی و ابلاغ نبوی ﷺ برای امیرالمؤمنین ﷺ هم ثابت است و ایشان هم همانند پیامبر ﷺ بر تمام امور دین و دنیای مومنین، ریاست، اولویت و حق تقدم دارند.

۲. پس از اینکه پیامبر ﷺ، امیرالمؤمنین ﷺ را به عنوان «مولی» معرفی فرمودند، عمر بن خطاب نزد امیرالمؤمنین ﷺ آمده و با عبارت «مبارک باشد، مبارک باشد بر توای علی، شما اکنون سرپرست من و تمام مسلمین هستی»^۴ به ایشان تبریک گفت.

مشخص است که چنین شادباش گفتنی با اعلام امامت و رهبری امیرالمؤمنین ﷺ بر مسلمانان سازگار است، نه با اعلام دوستی و یابوری امیرالمؤمنین ﷺ نسبت به مسلمانان که مسأله

۱. «التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» (احزاب، آیه ۶)؛ پیامبر، نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است.

۲. نیشابوری، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۵، ص ۴۴۷.

۳. زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۳، ص ۵۲۳.

۴. ذهبی، البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۴۹: «بَخَّ بَخَّ لَكَ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ».

تازه‌ای نیست و همه مسلمانان آن را با تمام وجود درک کرده و از آن آگاه بودند.

۳. اشعاری که شعرای حاضر در آن اجتماع بزرگ اسلامی، سرودند، به خوبی به هر شخص مُنصف و بدون غرضی کمک می‌کند که بفهمد مراد پیامبر ﷺ از واژه «مولی» در حدیث غدیر، چه بوده است؟ امامت و رهبری و یا دوستی و یآوری؟

حَسَّانِ بْنِ ثَابِتٍ که از اصحاب پیامبر ﷺ بود، پس از ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام توسط پیامبر خدا ﷺ، شعری سرود که بیت زیر بخشی از آن است:

«فَقَالَ قُمْ يَا عَلِيُّ فَإِنَّكَ رَضِيْتُكَ مِنْ بَعْدِي إِمَامًا وَ هَادِيًا»

یعنی: سپس [پیامبر خدا ﷺ] فرمود یا علی، برخیز که من پسندیدم که تو پس از من، امام و رهبر باشی.^۱

بنابراین حاضران در روز غدیر خم هم از واژه «مولی» در حدیث غدیر، مسأله امامت و رهبری اُمت اسلامی را فهمیده‌اند نه اموری همچون دوستی و یآوری را.

۱. امینی، الغدیر فی الکتاب و السنة و الأدب، ج ۱، ص ۴۲۷

چند نکته درباره آیه تبلیغ

۱. با توجّه به اینکه آیه تبلیغ در سوره مبارکه «مائده» آمده و این سوره، آخرین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ می‌باشد^۱، فهمیده می‌شود مسأله‌ای که پیامبر ﷺ ملزم به ابلاغ آن بوده، نمی‌تواند مسائلی همچون توحید، نبوت، معاد، نماز، روزه، زکات، حج و ... باشد؛ چرا که همه این امور پیشتر ابلاغ شده بودند و نیازی به ابلاغ دوباره آنها نبود.

۲. بخش‌های مختلف آیه تبلیغ^۲ همچون «اگر انجام ندهی رسالت خدا را نرسانده‌ای»^۳، «خدا تو را از [آسیب و گزند] مردم ننگه می‌دارد»^۴ و «قطعاً خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند»^۵ نشان می‌دهند مسأله‌ای که پیامبر ﷺ ملزم به ابلاغ و اعلام آن شده، بسیار خطیر و مهم بوده است؛ چرا که:

الف: عبارت «اگر انجام ندهی رسالت خدا را نرسانده‌ای» نشان می‌دهد عدم ابلاغ این پیام به منزله ناتمام ماندن رسالت می‌باشد و این یعنی مسأله مورد نظر،

۱. فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۱، ص ۳۱۲

۲. «مائده، آیه ۶۷»

۳. «إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»

۴. «اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»

۵. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»

هم‌تراز مسأله نبوت و به اهمیت آن بوده است؛ و‌گرنه خداوند ﷺ آن را معادل رسالت، قرار نمی‌داد و اتمام و پذیرش تلاش ۲۳ ساله حضرت را منوط به ابلاغ آن نمی‌کرد.

ب: عبارت «خدا تو را از [آسیب و گزند] مردم ننگه می‌دارد» بیانگر این نکته است که درونمایه پیام، امری است که موجب خشم عده‌ای خواهد شد و این احتمال هست که جان پیامبر ﷺ در اثر ابلاغ آن به خطر بیفتد.^۱

ج: عبارت «قطعاً خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند» نیز بیانگر این است که پیامی که باید توسط پیامبر ﷺ به مردم ابلاغ می‌شده، مخالفان سرسختی در آن زمان و مکان داشته که حاضر به پذیرش آن نبوده‌اند و ممکن بوده دست به اقدامات خطرناکی بزنند.

بنابراین محتوای پیام مربوط به اموری همچون توحید، نبوت، معاد، نماز، روزه، زکات، حج و ... که همگی پیشتر ابلاغ شده و مورد پذیرش همه جمع حاضر قرار گرفته بود و کسی با آن‌ها مخالف نبوده، نمی‌باشد.

۳. پس از فتح مکه و در سال پایانی عمر شریف پیامبر ﷺ، هیچ خطری از سوی یهودیان، مسیحیان و مشرکین قریش

۱. چنانچه این مسئله پس از واقعه غدیر و در سرازیری گردنه کوه هَـرْشِی، توسط ۱۴ نفر از صحابه اتفاق افتاد. (ابن حزم اندلسی، ج ۱۱، ص ۲۲۴)

متوجه اسلام نبوده است؛ از این رو نمی‌توان گفت مراد از کسانی که خداوند درباره آنها فرموده است «خدا تو را از [آسیب و گزند] مردم ننگه می‌دارد» مشرکین، یهودیان و مسیحیان بوده‌اند.^۱

بنابراین تنها احتمالی که باقی می‌ماند، مسأله امامت و جانشینی پیامبر ﷺ است که تا آن زمان به صورت رسمی اعلام نشده و برای آن بیعت گرفته نشده بود.

نکته مهم دیگر اینکه نباید فراموش کرد: حکومت اسلامی در آن زمان، کاملاً شکل گرفته و گسترش یافته بود، و آینده روشن آن برای همگان آشکار شده بود؛ از این رو دور از ذهن نیست برخی از اصحاب و یاران پیامبر ﷺ، چشم طمع به آن داشته و بخواهند خودشان پس از پیامبر ﷺ به امامت و رهبری برسند؛ از این رو کاملاً قابل پیش‌بینی بود که این عده بخواهند برای رسیدن به قدرت و کنار زدن جانشین شرعی و الهی پیامبر ﷺ، اقداماتی را انجام دهند و اجازه ندهند پیامبر ﷺ جانشین خود را به مسلمانان معرفی نماید.^۲

اما خداوند با وعده «اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ؛ و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند» اجازه نداد در غدیر خم خطری متوجه پیامبر ﷺ شود.

۱. میلانی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۲۴۹

۲. ابوحامد غزالی، سیر العالمین و کشف ما فی الدارین، ص ۴: «ثم بعد هذا غلب الهوى تحب الرياسة...».

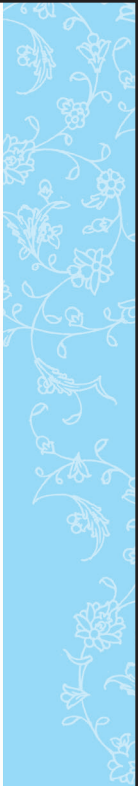
آیه دوم: آیه اکمال دین^۱

«الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ
وَإِخْشَاؤِنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ
نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»

امروز کافران از دین شما نا امید شدند؛ بنابراین از آنان
مترسید و از من بترسید. امروز [با نصب علی بن ابی طالب به
ولایت، امامت، حکومت و فرمانروایی بر امت] دینتان را برای شما
کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام را برایتان به عنوان
دین پسندیدم.»

۱. این آیه شریفه در ۱۸ ذی‌الحجه نازل شده است.

۲. «مائدة، آیه ۳»



کامل شدن دین اسلام

پس از ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و پایان سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله و پیش از اینکه مردم پراکنده شوند، آیه دیگری نازل شد^۱ که به «آیه اِکمال» معروف است:

«امروز کافران از دین شما نا امید شدند؛ بنابراین از آنان مترسید و از من بترسید. امروز [با نصب علی بن ابی طالب به ولایت، امامت، حکومت و فرمانروایی بر امت] دینتان را برای شما کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام را برایتان به عنوان دین پسندیدم»^۲.

این آیه شریفه آشکارا اهمیت و جایگاه امامت را در میان آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد. با دقت در این آیه شریفه چند نکته مهم بدست می‌آید که بدین شرح است:

۱. یأس و نا اُمیدی کافران و بی‌ایمانان از دین اسلام و بی‌اثر شدن نقشه‌های آنها بر ضدّ این دین آسمانی، تنها در گروه ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام است و این یعنی دین اسلام بدون ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام خطری برای کافران نداشته و آنها با دین بدون ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام مشکلی ندارند.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸ و ص ۲۸۹؛ امینی، الغدير، ج ۱، ص ۴۴۷

۲. «مائدة، آیه ۳»

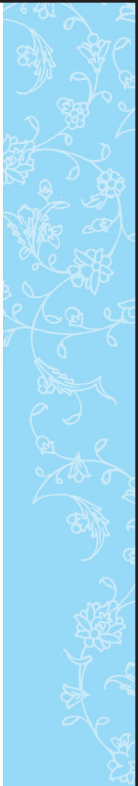
۲. کامل شدن دین اسلام در گروی امامت امیرالمؤمنین علیه السلام است و این یعنی دین اسلام بدون ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ناقص و ناکارآمد است.

۳. دین اسلام تنها در صورتی دین مَرْضَى و پسندیده خدا است که با ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد و این یعنی پذیرفتن دین اسلام بدون پذیرش ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام سبب کسب رضایت الهی و در نتیجه سعادت آدمی، نخواهد شد.

پاسخ به پرسشی پیرامون آیه اکمال

آیه «کامل شدن دین» در حقیقت تنها بخشی از آیه سوم سوره مائده می باشد. این آیه از سه بخش تشکیل شده است. بخش اول و سوم این آیه درباره احکام است؛ اما در بخش وسط آن از «نا امیدی کافران، کامل شدن دین، به پایان رساندن نعمت و رضایت خداوند به اسلام به عنوان دین»، خبر داده می شود. همین امر سبب به اشتباه افتادن برخی شده است. در ادامه به این اشتباه و پاسخ آن می پردازیم:

۱. متن آیه سوم سوره مبارکه مائده از این قرار است: «حَرَمْتُ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ مَا أٰهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَفَةَ وَ الْمُوقُودَةَ وَ الْمَتْرَدِيَةَ وَ النَّطِيخَةَ وَ مَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلَى النَّصَبِ وَ أَنْ تَسْتَفْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسُقُ الْيَوْمِ يَبْسُ الدِّينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ أَحْسِنُوا الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ أَضْطَرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»



کامل شدن دین با بیان احکام صورت گرفت و یا با اعلام امامت؟

برخی به این بهانه که قبل و بعد این بخشِ وسط، درباره احکام است، مدعی شده‌اند کامل شدن دین اسلام، ارتباطی با اعلام امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ندارد و مربوط به بیان احکام است؛ و خداوند پس از بیان آخرین احکام، از کامل شدن دین و ... خبر داده است.

اما حقیقت این است که آیه «اکمال دین» هر چند در میان آیات احکام قرار گرفته است، اما ارتباطی میان این بخش با قبل و بعد آن وجود ندارد؛^۱ چرا که:

۱. در این آیه شریفه، خبر از ناامیدی کافران از اسلام داده شده و مشخص است که احکام شرعی بیان شده در ابتدای آیه^۲ هرگز نمی‌توانند باعث ناامیدی کافران شوند.^۳ واقعا

۱. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۶۷

۲. ترجمه بخش نخست آیه سوم سوره مبارکه مائده از این قرار است: بر شما حرام شده است گوشت مردار و خون و گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا کشته‌اند و حیوان خفه شده و آنچه به ضرب چوب و سنگ مرده و آنچه به سبب پرت شدن از بلندی جان داده و حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگر از بین رفته و حیوانی که درنده‌ای آن را کشته و از آن خورده، مگر آنچه را که در آستانه مرگ، قابل تذکیه بوده و شما به دستور شرع تذکیه کرده‌اید، و نیز آنچه برای بت‌ها قربانی شده، و آنچه به وسیله تیرهای قمار سهم‌بندی می‌کنید بر شما حرام گشته است. این [امور] فسق و نافرمانی است ... «مائده، آیه ۳»

۳. بویژه که همین احکام دقیقا در یهودیت هم وجود دارد.

چه ارتباطی میان حرام بودن خوردن خون، گوشت خوک و حیوانی که ذبح شرعی نشده، با مایوس شدن کافران است؟! آیا این امر معقول است که بگوییم چون خداوند برای نمونه فرموده: «خوردن حیوانی که به سبب پرت شدن از بلندی جان داده، حرام است»، کافران نا امید شده‌اند؟!.

۲. عبارت «از آنان مترسید و از من بترسید»^۱ در آیه به روشنی بیان می‌کند مطلبی که سبب کامل شدن دین و نا آمدی کافران گشته، مسأله‌ای بوده که بیان آن خطر داشته است؛ برآستی بیان احکامی همچون حرام بودن خوردن خون و گوشت خوک، چه خطری داشته است؟! بنابراین آیه «اکمال دین»، درباره احکام نیست.

۳. احکام بیان شده در ابتدای آیه، در آیاتی که قبلاً نازل شده بودند هم آمده‌اند^۲ و این نشان می‌دهد مسأله کامل شدن دین مربوط به مسأله‌ای غیر از بیان احکام است.

۴. بعد از نازل شدن آیه «اکمال دین» نیز شاهد نزول آیاتی پیرامون احکام هستیم^۳ و این یعنی آیه «اکمال دین»، ارتباطی با بیان همه احکام ندارد و گرنه نباید بعد از نزول

۱. «مائدة، آیه ۳»: «لَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ»

۲. «بقره، آیه ۱۷۳» و «نحل، آیه ۱۱۵»

۳. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۷۱



این آیه که از کامل شدن دین خبر داده، حکم دیگری بر پیامبر ﷺ نازل می‌شد.^۱

بنابراین هنوز همه احکام بیان نشده بوده و ناامیدی کافران، کامل شدن دین، به پایان رسیدن نعمت و رضایت خداوند به اسلام به عنوان دین، ارتباطی به احکام و بیان آنها نداشته و مسأله دیگری، سبب این امور شده است که همان اعلام امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است.

چرا آیه «اکمال دین» در میان آیات احکام آمده است؟

اما هنوز یک پرسش باقی مانده است و آن هم اینکه چرا ابتدا و انتهای این آیه درباره احکام است، اما بخش وسط آن، درباره امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و کامل شدن دین توسط اعلام آن؟

پاسخ این است که ترتیب آیات و سوره‌ها در قرآن کنونی، مطابق ترتیب نزول آنها نیست؛ بلکه این ترتیب کنونی، به دستور پیامبر ﷺ صورت گرفته است.^۲

احتمال قوی این است که پیامبر خدا ﷺ به دستور خداوند تعالی بخاطر این که مبدا دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام، خواهند

۱. صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۴۷: «أَخْرُ أَيْهَ نَزَلَتْ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آيَةُ الرَّبِّا».

۲. معرفت، علوم قرآنی، ص ۱۰۷

آیه «اکمال دین» را از قرآن حذف کنند، آن را در میان عبارات آیه دیگری قرار داده^۱ تا کسانی که نمی‌خواهند به آیه عمل کنند، به این بهانه که آیه درباره احکام است، با تحریف معنوی^۲ آیه به هدف شوم خود برسند و نیازی به حذف آیه از قرآن و در نتیجه تحریف لفظی^۳ آن نباشد.

توجه به این نکته لازم است که پیامبر خدا ﷺ بخش «اکمال دین» را به گونه‌ای در میان آیه احکام گذاشته است که خواننده هرچند در نگاه نخست، گمان می‌کند این بخش نیز درباره احکام است، اما با اندکی درنگ و اندیشه که خواننده قرآن به آن سفارش شده، برای او مشخص می‌شود که بخش وسط آیه، ارتباطی با قبل و بعد آن ندارد.

۱. نجارزادگان، بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت، ص ۱۸۰.
۲. تحریف معنوی به تغییر معنایی و مفهومی آیات قرآن گفته می‌شود.
۳. تحریف لفظی به کم یا زیادشدن واژه، آیه و یا سوره‌ای از قرآن کریم گفته می‌شود به باور همه فرقه‌های اسلامی چنین تحریفی در قرآن صورت نگرفته و نخواهد گرفت.

آیه سوم: آیه عذاب

«سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقِيعٍ لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ»

درخواست کننده‌ای درخواست عذابی کرد که واقع شد، این عذاب مخصوص کافران است و هیچ کس نمی‌تواند آن را دفع کند.

اعتراض به پیامبر ﷺ و آمدن سنگ آسمانی

پس از نزول آیه تبلیغ، ابلاغ امامت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سپس نزول آیه اکمال و بیعت مسلمانان با حضرت امام علی علیه السلام به عنوان «امیرالمؤمنین»، رویدادی رخ داد که هم نشان‌دهنده درستی نگرانی پیامبر صلی الله علیه و آله از عکس‌العمل برخی از مسلمانان بود و هم سبب نازل شدن سومین آیه در غدیر خم شد. ماجرا بدین شرح است:

چیزی نگذشت که خبر نصب شدن امیرالمؤمنین علیه السلام به امامت و رهبری پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و بیعت مردم با ایشان، در شهرها پخش شد. نَعْمَان بن حارث فَهْرِي که از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بود، خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد:

تو به ما دستور دادی به یگانگی خدا و اینکه تو فرستاده او هستی شهادت بدهیم، ما هم شهادت دادیم، سپس به جهاد، حج، روزه، نماز و زکات فرمان دادی و ما هم همه اینها را پذیرفتیم، اما به اینها راضی نشدی تا اینکه این جوان

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از همه حاضران در غدیر خم، حتی بانوان نیز بیعت گرفتند و برای بیعت بانوان با امیرالمؤمنین علیه السلام، ظرف آبی آوردند و پرده‌ای زدند که نیمی از ظرف آب در یک سوی پرده و نیم دیگر آن در سوی دیگر قرار داشت و زنان با قرار دادن دست خود در یک سوی آب، و امیرالمؤمنین علیه السلام در سوی دیگر، با آن حضرت بیعت نمودند.
۲. آیات بَحْرانی، البُرْهَان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸۸

(اشاره به امیرالمؤمنین علیه السلام) را به جانشینی خود منصوب کردی و گفتی: «هر کس که من سرپرست او هستم، این علی هم سرپرست اوست»، آیا این سخن از ناحیه خودت است یا از سوی خدا؟! پیامبر صلی الله علیه و آله، فرمودند: «سوگند به خدایی که معبودی جز او نیست، این از ناحیه خدا است».

نعمان به سمت مَرکَب خود برگشت و گفت: خداوندا، اگر این سخن حق و از ناحیه تو است، سنگی از آسمان بر من بباران». اینجا بود که سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و او کشته شد. آیات نخست سوره معارج درباره وی می‌باشد^۱:

«درخواست کننده‌ای در خواست عذابی کرد که واقع شد، این عذاب مخصوص کافران است و هیچ کس نمی‌تواند آن را دفع کند»^۲.

برکات سنگ آسمانی

از این داستان که در کتب معتبر شیعه و اهل سنت آمده و نزول آیه عذاب^۳، دو امر مهم فهمیده می‌شود:

۱. مراد از «مولی» در حدیث غدیر^۴، دوست و یاور نیست؛

۱. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۱؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر

القرآن العظیم، ج ۱۵، ص ۶۲

۲. «معارج، آیات ۱ و ۲»

۳. «معارج، آیه ۱»

۴. «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

چرا که اگر پیامبر ﷺ از واژه «مولى» چنین معنایی را اراده کرده بودند، دیگر جا نداشت افرادی همچون نعمان از اعلام آن ناراحت شوند و به پیامبر ﷺ اعتراض کنند. آنچه که موجب ناراحتی نعمان شده بود، امامت و سرپرستی امیرالمؤمنین ﷺ بود.

۲. فردی همچون نعمان که در همین ماجرا به توحید و یگانگی خدا، نبوت و پیامبری حضرت محمد ﷺ، وجوب نماز، روزه، جهاد، حج، زکات و... اعتراف کرده است، تنها به صرف نپذیرفتن ولایت و امامت امیرالمؤمنین ﷺ، از دایره اسلام خارج و سزاوار عذاب الهی شده است.

برای مطالعه بیشتر

- الغدير فى الكتاب و السنة و الأدب، علامه امینی، جلد اول
- جواهر الکلام فى معرفة الامامة و الامام، آیت الله میلانی، جلد چهارم
- آیات غدیر (نگاهی به آیات غدیر از دیدگاه اهل سنت)، آیت الله میلانی
- داستان سپاه یمن، آیت الله میلانی
- بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت در دیدگاه فریقین، دکتر نجارزادگان

آیه چهارم: آیه ولایت^۱

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۲؛

سرپرست شما تنها خدا و پیامبر اوست و مؤمنانی که همواره نماز را برپا می‌دارند و در حالی که در رکوعند، صدقه می‌دهند».

۱. این آیه شریفه در ۲۴ ذی‌الحجه نازل شده است.

۲. «مائدة، آیه ۵۵»

داستان ولایت و خاتم بخشی

گروهی از یهودیان که مسلمان شده بودند، خدمت پیامبر خدا ﷺ رسیدند و عرض کردند: ای پیامبر خدا ﷺ، حضرت موسی علیه السلام، یوشع بن نون علیه السلام را به عنوان وصی و جانشین خود برگزیده بود، شما چه کسی را به عنوان وصی و جانشین خود برگزیده‌اید؟ در همین زمان آیه ۵۵ سوره مائده نازل شد:

«سرپرست شما تنها خدا و پیامبر اوست و مؤمنانی که همواره نماز را برپا می‌دارند و در حالی که در رکوعند، صدقه می‌دهند».^۲

یهودیان پس از شنیدن این آیه عرض کردند: خدا و پیامبرش ﷺ را می‌شناسیم؛ اما مراد از «مؤمنانی که در حال رکوع نماز، صدقه می‌دهند»، چه کسانی هستند که آنها نیز در کنار خدا و پیامبرش ﷺ بر ما ولایت و سرپرستی دارند؟ پیامبر خدا ﷺ در مقام پاسخ، از آنها می‌خواهد که بیایید با هم به مسجد برویم. زمانی که به مسجد می‌رسند، نیازمندی را مشاهده می‌کنند که هنگام خروج از مسجد بسیار خوشحال، مدام می‌گوید: خدا خیرش بدهد. پیامبر ﷺ سلام می‌کند و از

۱. با توجه به اینکه آیه ۵۵ سوره مبارکه مائده در مقام پاسخ به این پرسش، نازل شده، مشخص می‌شود که واژه «مولی» در این آیه به معنای سرپرست و رهبر جامعه اسلامی است.

۲. ﴿مائده، آیه ۵۵﴾

او می پرسد: چرا این قدر خوشحالی؟ خدا به چه کسی جزای خیر بدهد؟

آن مرد می گوید: به شدت نیازمند بودم و هیچ راهی به ذهنم نرسید. عاقبت عزمم را جزم کردم و گفتم مشکلم را با مسلمانان در میان می گذارم و آنها حتماً به من کمک خواهند کرد. اما به هر کس رو انداختم، کمک نکرد و دستم را نگرفت. از همه جا نا امید بودم و آخرین آمیدم مسجد بود. وارد مسجد شدم و از حاضران درخواست کمک کردم؛ اما اینجا هم در کمال ناباوری کسی به من کمک نکرد.

داختم از مسجد بیرون می رفتم که ناگهان دیدم جوانی که در حال نماز بود، دستش را به سمت من دراز کرد؛ اول متوجه نشدم چه منظوری دارد اما وقتی چشمم به انگشتر او افتاد، فهمیدم می خواهد با دادن انگشتر به من کمک کند؛ من هم آن انگشتر را از انگشتم در آوردم و الان هم دارم می روم آن را بفروشم.

پیامبر خدا ﷺ پرسیدند: آن جوان که بود؟ آن را به ما نشان بده. نیازمند به آن جوان اشاره کرد و حاضران گفتند: او که علی بن ابی طالب علیه السلام است.

پیامبر خدا ﷺ از نیازمند پرسیدند: علی علیه السلام در کدام بخش

نماز به تو صدقه داد؟

نیازمند گفت: در حال رکوع. حضرت به محض شنیدن این پاسخ، «الله اکبر» گفتند و دیگر حاضران در مسجد نیز پس از حضرت، «الله اکبر» گفتند. سپس پیامبر ﷺ رو به حاضرین کردند و بعد از قرائت آیه ولایت، فرمودند:

«عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع وَبَيْنَكُمْ بَعْدِي؛^۱ علی بن ابیطالب ع سرپرست شما پس از من است.»

حاضران در مسجد هم گفتند:

«به خدا به عنوان پروردگار، به اسلام به عنوان دین، به محمد ص به عنوان پیامبر و به علی ع به عنوان سرپرست، رضایت دادیم و خوشنودیم.»^۲

در این هنگام آیه ۵۶ سوره مائده بر پیامبر ص نازل شد:

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ
الْغَالِبُونَ؛^۳

۱. واژه «بعدی» که در این حدیث آمده به خوبی نشان می‌دهد که: مراد از واژه «ولی» در این حدیث و همچنین در آیه ولایت، به معنای مُجِبِّ و ناصر نیست، چرا که امیرالمومنین ع هم در زمان پیامبر ص و هم بعد از ایشان مُجِبِّ و ناصر مؤمنین بوده‌اند و معنا ندارد پیامبر ص بخواهند مُجِبِّ و ناصر بودن ایشان را منحصر به بعد از زمان خودشان بکنند.

۲. رضینا بالله رباً و بالاسلام دیناً و بمحمد ص نبیاً و بعلی ع ولیاً

۳. «مائده، آیه ۵۶»

و کسانی که خدا و رسولش و مؤمنان [علی بن ابی طالب] را به سرپرستی بپذیرند [حزب خدایند]، و یقیناً حزب خدا پیروزند.^۱

چگونه آیه ولایت بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت دارد؟!

پس از بیان شأن نزول^۲ آیه ولایت و ماجرای سبب نزول این آیه شد، باید به این پرسش پاسخ بدهیم که این آیه چگونه بر امامت و رهبری امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت می‌کند.

آیه ولایت و شأن نزول آن به صورت کاملاً واضح و آشکار، تکلیف مسأله جانشینی و خلافت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امامت و رهبری امت اسلامی را در فردای پس از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله^۳ مشخص کرده است. برابر این آیه شریفه از سوره مبارکه مائده که آخرین سوره نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله است^۴، تنها سه نفر بر مردم حق ولایت و سرپرستی دارند^۵:

۱. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۱۳

۲. به رخداد یا پرشی که آیه پس از آن نازل می‌شود، شان نزول آیه می‌گویند.

۳. «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ. وَ مُحَمَّدٌ جَزَ فَرَسْتَادِهِ اِز سَوَى خِدا كِه پِيش از او هَم فَرَسْتَادِگَانِی گِذِشْتِه اَنْد، نِيسْت. پَس اِيا اِگر او بَميرد بلكه كِشْتِه شُود، بِه رُوش گِذِشْتِگَان و نِياكان خُود بَرْمِی گِردِيد؟!». ﴿آل عمران، آیه ۱۴۴﴾

۴. فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۱، ص ۳۱۲

۵. «إِنَّمَا» در زبان عربی مفید حصر و انحصار است. بنابراین معنای آیه این گونه می‌شود که «سرپرست شما تنها خداوند، پیامبرش و مومنانی که در حال رکوع نماز زکات می‌دهند [و امر سرپرستی منحصر در آنها است و شخص دیگری ولی امر شما نیست]».

۱. خداوند ﷻ

۲. پیامبر خدا ﷺ

۳. مومنان زکات دهنده در حال رکوع نماز

با توجه به روایات فراوانی که شیعه و اهل سنت آنها را نقل کرده‌اند - و در ابتدای این نوشتار به یکی از آنها اشاره کردیم - فهمیده می‌شود مراد از «مومنانی که در حال رکوع نماز، صدقه می‌دهند»^۱ امیرالمؤمنین علیه السلام است.^۲

بنابراین مطابق این آیه شریفه پس از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، تنها امیرالمؤمنین علیه السلام بر مردم حق ولایت و سرپرستی دارد و از این رو با وجود ایشان، شخص دیگری لیاقتِ خلافت، امامت و حکومت را نخواهد داشت.

معنای واژه «ولی»

با مراجعه به لغت‌نامه مشخص می‌شود که واژه «ولی» مشترک لفظی است و دارای معانی زیادی می‌باشد.

مشترک لفظی یعنی یک واژه بیش از یک معنا دارد؛ همانند واژه «شیر» در زبان فارسی که سه معنا دارد.

۱. «الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»

۲. ایجی، کتاب المواقف، ج ۳، ص ۱۴۶: «قد أجمع أئمة التفسير على أن المراد بـ«الذين يقيمون الصلاة إلى قوله تعالى و هم راکعون» على عليه السلام فإنه كان في الصلاة راکعا فسأله سائل فأعطاه خاتمه فنزلت الآية»

زمانی که شخصی یک واژه مشترک را در گفتار و یا نوشتار خود به کار می‌برد، باید با قرینه مشخص کند که کدام معنا از معنای آن واژه را اراده کرده است؛^۱ از این‌رو برای پی بردن به اینکه گوینده و یا نویسنده از واژه مشترک، کدام معنای آن اراده کرده، باید به دنبال قرینه بود.

از میان همه معنای گفته شده در کتب لغت برای واژه «ولی»، تنها سه معنا برای این واژه در آیه ولایت ادعا شده است:

۱. مُحِبِّ و دوست؛

۲. ناصر و یاور؛

۳. ولی امر و سرپرست.

واژه «ولی» در آیه ولایت به چه معناست؟

حال این سوال پیش می‌آید که خداوند در آیه ولایت از واژه «ولی» چه معنایی را اراده کرده است؟ پاسخ این است که برای فهمیدن مراد خداوند از واژه «ولی»، باید به قرینه‌ای که خداوند آورده و به واسطه آن به مخاطب خود، فهمانده که کدام معنا را اراده کرده است، توجه کنیم:

۱. برای نمونه در زبان فارسی واژگان «آب»، «درنده» و «پاستوریزه» قرینه می‌شوند که از لفظ مشترک «شیر» کدام معنای آن اراده شده است: «شیر آب را ببند»، «امروز یک شیر درنده دیدم» و «شیر پاستوریزه».

قرینه نخست: واژه «اِئْمَا» مفید حصر است

واژه «اِئْمَا» که در ابتدای آیه آمده است، مفید حصر و انحصار می‌باشد. حال با توجّه به این قرینه، آیه را با هر سه معنای ادعا شده، ترجمه می‌کنیم تا ببینیم کدام یک از آن سه معنای ادعا شده با این قرینه سازگاری دارد:

معنای اوّل: مُجِبِّ و دوست شما تنها خدا، رسول و مومنینی هستند که در حال رکوع نماز، صدقه می‌دهند. (یعنی کسی غیر از این سه، شما را دوست ندارد)

معنای دوّم: ناصر و یاور شما تنها خدا، رسول و مومنینی هستند که در حال رکوع نماز، صدقه می‌دهند. (یعنی کسی غیر از این سه، شما را یاری نمی‌کند)

معنای سوّم: ولی امر و سرپرست شما تنها خدا، رسول و مومنینی هستند که در حال رکوع نماز، صدقه می‌دهند. (یعنی کسی غیر از این سه، حق ولایت و سرپرستی بر شما ندارد)

با توجّه به اینکه منحصر کردن دوست و یاور در خدا، رسول و «مومنینی که در حال رکوع نماز، صدقه می‌دهند»، قطعاً نادرست است، و همه ما افرادی را می‌شناسیم که دوست و یاور مومنین هستند اما از خدا، رسول و «مومنینی که در حال

رکوع نماز، صدقه می‌دهند»، نمی‌باشند، متوجه می‌شویم
مراد از واژه «ولی» در آیه ولایت، «سرپرست و صاحب اختیار»
است نه دوست و یاور.

بنابراین آیه از دو حال خارج نیست:

یا «ولی» در آن به معنای دوست و یاور است که در این
صورت آیه اشتباه می‌باشد.

و یا آیه درست است و «ولی» به معنای دوست و یاور
نیست، بلکه به معنای سرپرست می‌باشد.

با توجه به اینکه هیچ مسلمانی نمی‌پذیرد در قرآن خطا و
اشتباهی باشد^۱، بنابراین «ولی» به معنای سرپرست و صاحب
اختیار می‌باشد.

قرینه دوم: شأن نزول آیه ولایت

قرینه دیگر مبنی بر اینکه مراد از واژه «ولی» در آیه
ولایت، سرپرست است، شأن نزول آیه و پرسش یهودیان
تازه مسلمان شده از پیامبر ﷺ است که از ایشان درباره وصی
پیامبر ﷺ و سرپرست مومنین سوال کردند - نه دوست و یاور

۱. «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿فصلت،
آیه ۴۲﴾؛ که هیچ باطلی از پیش رو و پشت سرش به سویش نمی‌آید، نازل
شده از سوی حکیم و ستوده است».

مومنین - و آیه در مقام پاسخ به این پرسش آنها نازل شد.

دو پرسش مهم

چرایی نیامدن نام امیرالمؤمنین علیه السلام در آیه

پرسش: اگر مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»، امیرالمؤمنین علیه السلام است، پس چرا آشکارا نام حضرت در این آیه ذکر نشده است؟

پاسخ: در مقام پاسخ به این پرسش سه نکته یادآوری می شود:

الف: خداوند در قرآن وعده داده که خود از قرآن کریم، محافظت خواهد کرد. به آیه زیر توجه کنید:

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ همانا ما قرآن را نازل کردیم، و یقیناً ما نگهبان آن هستیم.»

و مشخص است که حفاظت خداوند از قرآن، از راه اسباب عادی می باشد نه اسباب غیر عادی و فراطبیعی.

ب: در موارد فراوانی شاهد آن هستیم که انگیزه فراوانی برای تحریف روایات امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، وجود

داشته است. در اینجا برای نمونه فقط به یک مورد اشاره می‌شود. طبری، مؤرخ اهل سنت، حدیث «یوم الدار» (روز خانه) را در کتاب تاریخ خود به این شکل آورده است:

«إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا؛ این برادر، وصی و جانشین من در میان شماست. پس سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید»^۱.

اما همین حدیث، با سند و متن یکسان، در کتاب تفسیر او به این شکل نقل شده است:

«إِنَّ هَذَا أَخِي وَ كَذَا وَ كَذَا فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا؛ این برادر من، چنین و چنان است، پس سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید»^۲.

همانطور که متوجه شدید برخی دو واژه «وصی» و «خلیفتی» را از حدیث حذف کرده‌اند تا حدیث دیگر بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت نکند. این مورد و موارد فراوان دیگر تحریف احادیث امامتی - که مجال ذکرشان در اینجا نیست - نشان می‌دهد عده‌ای به هر قیمتی نمی‌خواستند نه امیرالمؤمنین علیه السلام به امامت و خلافت، و نه ادله امامت و خلافت ایشان به گوش مسلمانان برسد.

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۳۲۱

۲. طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۷۵

ج: در موارد متعددی همچون حدیث «یوم الدار»، حدیث «ولایت»، حدیث «غدیر» و ... پیامبر خدا ﷺ با اشاره به نام مقدس امیرالمؤمنین ﷺ، ایشان را به عنوان امام و رهبر مسلمانان معرفی کردند؛ اما پس از شهادت ایشان ﷺ همه این موارد نادیده گرفته شد. بنابراین نباید گمان کرد که اگر نام حضرت امیر ﷺ به صراحت در این آیه می‌آمد، دیگر نمی‌توانستند مشکلی در راه رسیدن ایشان به حکومت ایجاد کنند.^۱

بنابراین آوردن و یا نیاوردن نام امیرالمؤمنین ﷺ تأثیری در پذیرش یا عدم پذیرش ولایت ایشان نداشته است، و برخی با وجود آگاهی کامل از اینکه امیرالمؤمنین ﷺ وصی و جانشین پیامبر ﷺ هستند، همه توان خود را برای از بین بردن احادیث خلافت و امامت امیرالمؤمنین ﷺ، به کار بردند، و مشخص است که اگر در آیات قرآن نیز نام حضرت ﷺ به صراحت آمده بود، قطعاً انگیزه این افراد در تحریف کردن قرآن تقویت می‌شد؛ از این‌رو خداوند حکیم و دانا با نیاوردن نام امیرالمؤمنین ﷺ، از تحریف قرآن جلوگیری کرده است.

۱. به باور شیعه تنها چیزی که در «سقیفه» غصب شد، «حکومت» بود که تنها بخشی از مسئولیت‌های مقام رفیع امامت و خلافت می‌باشد، وگرنه مقام‌هایی همچون «امامت»، «خلافت»، «ولایت»، «وصایت» و ... به علت الهی بودن، هرگز قابل غصب شدن، نمی‌باشند که کسی بتواند آن‌ها را غصب کند.

البته ناگفته نماند با توجه به اینکه اوصاف ذکر شده در آیه ولایت - یعنی «مومنانی که در حال رکوع نماز، صدقه می‌دهند» - تنها بر یک نفر صدق می‌کند، فرقی بین کاربرد وصف و اسم در این مورد خاص وجود ندارد.^۱

چرایی جمع آمدن الفاظ آیه

پرسش: اگر مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» امیرالمؤمنین علیه السلام است، پس چرا به جای اینکه الفاظ، مفرد مذکر باشند، جمع مذکر هستند؟

پاسخ: با مراجعه به کتب اهل سنت که علت نزول آیات قرآن کریم را بیان کرده‌اند، به موارد متعددی بر می‌خوریم که با وجود اینکه الفاظ آیه، جمع است اما به اتفاق همه علمای اهل سنت، آن آیه تنها درباره یک نفر نازل شده است.

برای نمونه علامه امینی رحمته الله در کتاب گرانسنگ الغدير بیست آیه را از کتب اهل سنت گردآوری کرده که با وجود جمع بودن الفاظ آن آیات، اما به باور علمای اهل سنت، مراد

۱. خداوند تعالی در آیه ولایت به جای اینکه آشکارا به نام امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره کند از وصف و ویژگی انحصاری آن حضرت یعنی «مؤمنانی که در حال رکوع نماز زکات می‌دهند»، استفاده کرده است.

از هر کدام از آن آیات تنها یک نفر است.^۱

بنابراین جمع بودن الفاظ، منافاتی با اینکه مراد از آن تنها امیرالمؤمنین علیه السلام در آن زمان باشد، ندارد.

سِرّ جمع آمدن الفاظ آیه با اینکه از آن تنها امیرالمؤمنین علیه السلام اراده شده، ممکن است این باشد که خداوند برای تعظیم و بزرگداشت امیرالمؤمنین علیه السلام این کار را کرده است. آنچه برای نمونه در زبان فارسی به جای اینکه گفته شود: «حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود^۲»، می‌گویند: «حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمودند^۳».

۱. امینی، الغدیر فی الکتاب و السنه و الاثر، ج ۳، ص ۱۳۲: برای نمونه آیه شریفه: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا» نساء، آیه ۱۰؛ بدون شک کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، فقط در شکم‌های خود آتش می‌خورند» که به صورت جمع نازل شده، تنها درباره یک نفر از صحابه است.

۲. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۲۶

۳. باید به صورت مفرد بیاید.

۴. برای تعظیم و بزرگداشت به صورت جمع آمده است.

دو نکته پیرامون آیه ولایت

در این بخش به دو نکته مهم پیرامون آیه ولایت اشاره می‌شود:

حضور قلب امیرالمؤمنین علیه السلام در نماز

پرسش: آیا اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام در حال نماز، انگشتر خودشان را به نیازمند دادند با حضور قلب در نماز منافات ندارد؟

پاسخ: اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام در هنگام نماز متوجه حضور آن شخص نیازمند در مسجد شدند و در حال رکوع نماز، انگشتر خود را به او صدقه دادند، منافاتی با حضور قلب ایشان در نماز ندارد؛ زیرا مراد از حضور قلب در نماز، توجه کامل به خداوند و پرستش او با تمام وجود است؛ و از آنجا که نماز یک نوع عبادت خداوند است و صدقه‌دادن نیز نوعی دیگر از عبادت خداوند؛ بنابراین حضرت در حال انجام یک نوع عبادت، نوع دیگری از آن را هم انجام داده‌اند و چون هر دو عبادت به خاطر خداوند بوده، توجه ایشان در حال نماز از خدا قطع نشده است.

ولایت دو نفر در یک زمان

پرسش: آیا اگر واژه «ولی» در آیه ولایت به معنای سرپرست باشد، لازم نمی‌آید که در زمان حیات پیامبر ﷺ، امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم رهبر و سرپرست مسلمانان باشند و دو نفر در یک زمان بر مردم ولایت داشته باشند؟!

پاسخ: برخی به این بهانه که اگر «ولی» در آیه ولایت، به معنای ولی امر و سرپرست باشد، لازم می‌آید که در یک زمان دو نفر - یعنی پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) - سرپرست مسلمانان باشند و این امر ممکن نیست، خواسته‌اند دلالت آیه بر ولایت و امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را زیر سوال ببرند.

حال آنکه اولاً: همانطور که اثبات ولایت برای پیامبر ﷺ منافاتی با ولایت خداوند ندارد، اثبات ولایت برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم منافاتی با ولایت پیامبر خدا ﷺ ندارد.

ثانیاً: در حدیثی که پیامبر ﷺ آن را پس از نزول آیه ولایت در مسجد فرمودند، قید^۱ «بعدی» آمده است و این یعنی امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس از پیامبر ﷺ ولی امر و سرپرست مومنان است؛ و بنابراین مشکل ولایت داشتن دو نفر در یک زمان^۲، لازم نمی‌آید:

۱. «قید» کلمه‌ای است که اموری همچون فعل و صفت را به زمان، مکان و یا حالت خاصی محدود می‌سازد.

۲. البته پاسخ دوم بر فرض اشکال داشتن ولایت داشتن دو نفر در یک زمان است که ما قبول نکردیم.

«علی بن ابی طالب علیه السلام و لیکم بعدی؛ علی بن ابی طالب علیه السلام
سرپرست شما پس از من است».

برای مطالعه بیشتر

- الغدیر فی الکتاب و السنه و الأدب، علامه امینی، جلد سوم
- جواهر الکلام فی معرفه الامامه و الامام، آیت الله میلانی،
جلد دوم
- نگاهی به حدیث ولایت، آیت الله میلانی
- بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت در دیدگاه فریقین، دکتر
نजारزادگان

آیه پنجم: آیه مباحله^۱

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ
أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ
نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛

پس هر که با تو درباره او [عیسی علیه السلام] پس از آنکه بر تو علم
و آگاهی آمد، مجادله و ستیز کند، بگو: بیایید ما پسرانمان را و
شما پسرانتان را، و ما زنانمان را و شما زنانتان را، و ما نفوسمان را
و شما نفوستان را دعوت کنیم؛ سپس یکدیگر را نفرین نماییم،
پس لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم.

۱. این آیه شریفه در ۲۴ ذی‌الحجه نازل شده است.

۲. ﴿آل عمران، آیه ۶۱﴾

داستان مباحله

شهر «نَجْران» در جنوب غربی عربستان و نزدیک یمن است. در قرآن به نام قبلی این شهر و ماجرای که در آن رخ داده، اشاره شده است.^۱ ماجرا از این قرار بوده که ساکنان «أُحدود» که همان نَجْران امروزی است، دست از بُت‌پرستی برداشتند و مسیحی شدند؛ حاکم یهودی یمن، آنها را وادار کرد که یهودی شوند اما آنها نپذیرفتند. او نیز گودال‌هایی را حفر و آنها را پر از آتش کرد و مسیحیان را بین سوختن و یهودی‌شدن، مخیر کرد. مسیحیان حاضر نشدند دست از دین خود بردارند و همگی در آتش، زنده‌زنده سوزانده شدند.^۲ خبر این ماجرا به گوش قیصر روم که مسیحی بود رسید و او نیز با کمک پادشاه حبشه، انتقام سختی از حاکم یمن گرفت^۳ و حضور مسیحیان در نجران تا زمان ظهور دین اسلام، ادامه داشت.

پیامبر خدا ﷺ پس از فتح مکه در اواخر عمر شریفشان نامه‌ای به اَسْقَف^۴ نجران نوشتند و مسیحیان آن شهر را به دین اسلام دعوت کردند. آنها گروهی را برای بررسی پیشنهاد پیامبر ﷺ به مدینه فرستادند. پس از اقامت سه روزه آنها در شهر مدینه،

۱. ﴿بروج، آیات ۸-۴﴾

۲. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۶۲۴

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۶۲، ص ۳۳۷

۴. به شخصی که رهبری مسیحیان یک منطقه را بر عهده دارد، اسقف می‌گویند.

پیامبر ﷺ دوباره آنها را به دین اسلام دعوت کردند. مسیحیان گفتند: ما همه نشانه‌هایی که در کتبمان درباره پیامبر پس از مسیح ﷺ بیان شده را در شما یافتیم، جزء یک نشانه.

پیامبر ﷺ پرسیدند: آن نشانه‌ای که در من نیافتید، چیست؟ آنها گفتند: یکی از نشانه‌های پیامبر پس از مسیح ﷺ، این است که او مسیح ﷺ را تایید و تصدیق می‌کند اما شما با بشر و انسان دانستن^۱ مسیح ﷺ، ایشان را تکذیب کرده‌اید.^۲

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: من ایشان را به عنوان یک پیامبر الهی، تصدیق و تایید می‌کنم، اما در عین حال ایشان را بنده خدا می‌دانم و نه خدا.

مسیحیان با اشاره به معجزات حضرت عیسیٰ ﷺ همچون زنده کردن مردگان، شفای نابیناها و مبتلایان به بیماری پسی و خبر دادن ایشان از غیب، مدعی شدند که این معجزات جزء

۱. اشاره به آیه «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴿مريم، آیه ۳۰﴾؛ نوزاد از میان گهواره! گفت: بدون شک من بنده خدایم، به من کتاب عطا کرده و مرا پیامبر قرار داده است.»

۲. گفتنی است که اکثر مسیحیان قائل به تثلیث و معتقد به خدای واحد «پدر، پسر و روح القدس» هستند. آنها بر این باورند که مسیح و روح القدس نیز همانند خدای پدر (معادل الله در اسلام) دارای مقام الوهیت و خدایی می‌باشند و این سه در عین حال که سه شخص هستند، واحد و یکتا می‌باشند!!! دین اسلام این اعتقاد را شرک و سه‌گانه‌پرستی دانسته است: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثَةٌ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ ﴿مائدة، آیه ۷۳﴾؛ آنان که گفتند: خدا یکی از این [سه تاست پدر، پسر، روح] یقیناً کافر شدند، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست.»

از خداوند نمی‌تواند صادر شود و بنابراین مسیح علیه السلام خداست. پیامبر صلی الله علیه و آله ضمن تصدیق معجزات حضرت عیسی علیه السلام فرمودند: همه این اموری که شما گفتید به امر الهی و توسط خداوند بر دستان حضرت عیسی علیه السلام صادر شده و هیچکدام به معنای خدا بودن مسیح علیه السلام نمی‌باشند.

مسیحیان برای اثبات خدا بودن مسیح علیه السلام تولد اعجاز آمیز ایشان را مطرح کردند و گفتند: ولادت بدون پدر مسیح علیه السلام، بهترین دلیل بر خدا بودن او است و ثابت می‌کند که مسیح علیه السلام خدا است. در این لحظه، آیه شریفه ۵۹ سوره آل عمران بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و ایشان هم آن آیه را در مقام پاسخ به استدلال مسیحیان قرائت کردند:

«إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»؛ قطعاً داستان عیسی نزد خدا [از نظر چگونگی آفرینش] مانند داستان آدم است که [پیکر] او را از خاک آفرید، سپس به او فرمود: [موجود زنده] باش؛ پس بی درنگ [موجود زنده] شد».

مسیحیان که دیگر حرفی برای گفتن نداشتند و نتوانسته بودند خدا بودن حضرت عیسی علیه السلام را ثابت کنند، بجای اینکه

۱. ﴿آل عمران، آیه ۴۹﴾ و ﴿مائدة، آیه ۱۱۰﴾
 ۲. ﴿آل عمران، آیه ۹۵﴾

دست از شرک و چندخدایی بردارند و مسلمان و یکتاپرست شوند، پیامبر ﷺ را به مُباهله دعوت کردند.

«مباهله» در لغت به معنای یکدیگر را لعنت کردن است. در این لعن و نفرین خاص، طرفین یکدیگر را نفرین کرده و از خدا می‌خواهند طرف مقابل را از تحت سرپرستی خود، خارج سازد.^۱

در همین زمان، آیه شریفه ۶۱ سوره آل عمران نازل شد و پیامبر ﷺ به امر الهی درخواست مباهله مسیحیان را پذیرفت:

«پس هر که با تو درباره او [عیسی علیه السلام] پس از آنکه بر تو علم و آگاهی آمد، مجادله و ستیز کند، بگو: بیایید ما پسرانمان را و شما پسرانتان را، و ما زنانمان را و شما زنانتان را، و ما نفوسمان را و شما نفوستان را دعوت کنیم؛ سپس یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم».^۲

أَسْقَفَ مسیحیان که متوجه حقانیت پیامبر خدا ﷺ شده بود، به گروه مسیحیان گفت: بینید محمد ﷺ چه کسانی را با خود برای مباهله می‌آورد، اگر او نیز همانند پادشاهان، سپاهیان و پیروان خود را آورد، بدانید که به خود و حقانیت دینش مطمئن نیست و با او مباهله کنید؛ اما اگر همانند

۱. میلانی، جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۵۱

۲. آل عمران، آیه ۶۱ ﴿﴾

پیامبران علیهم السلام تنها افراد کمی از پرهیزکاران اُمّتش را با خود آورد، با او مباحله نکنید؛ چرا که قطعاً نابود خواهید شد.

روز مباحله فرا رسید و پیامبر صلی الله علیه و آله به جای آوردن سپاهیان و پیروان خود، تنها به همراه امیرالمؤمنین علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و حسنین علیهم السلام برای مباحله حاضر شدند.

مسیحیان وقتی دیدند پیامبر صلی الله علیه و آله آنقدر به حقانیت دین اسلام و پیامبری خود مطمئن هست که حاضر شده نزدیکترین افراد به خود را در معرض لعن و نفرین آنها قرار دهد، مطمئن شدند که اگر با ایشان مباحله کنند، قطعاً نابود خواهند شد و بخاطر همین از مباحله انصراف دادند. اما بخاطر لجاجت حاضر به پذیرش دین اسلام نشده و با پیامبر صلی الله علیه و آله مصالحه کردند و قبول کردند به حکومت اسلامی، جزیه^۱ بدهند.^۲

چگونه آیه مباحله بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت دارد؟!

پس از بیان شأن نزول آیه مباحله و ماجرای که سبب نزول این آیه شد، باید به این پرسش پاسخ دهیم که این آیه چگونه بر امامت و رهبری امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت می کند؟

پیش از بیان ارتباط آیه شریفه مباحله با ولایت و امامت

۱. جزیه مالیاتی است که حکومت اسلامی در ازای تأمین امنیت غیر مسلمانان ساکن در کشور اسلامی از آنها می گیرد.

۲. میلانی، جواهر الکلام، ج ۳، صص ۲۵۰-۲۴۱

امیرالمؤمنین علیه السلام، بار دیگر آن را مرور می‌کنیم:

«پس هر که با تو درباره او [عیسی علیه السلام] پس از آنکه بر تو علم و آگاهی آمد، مجادله و ستیز کند، بگو: بیا بید ما پسرانمان را و شما پسرانتان را، و ما زنانمان را و شما زنانتان را، و ما نفوسمان را و شما نفوستان را دعوت کنیم؛ سپس یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم».^۱

مطابق این آیه شریفه، پیامبر صلی الله علیه و آله موظف می‌شوند برای مباحله، پسرانشان، زنانشان و خودشان^۲ را دعوت کنند و با خود ببرند. با مراجعه به روایات بیان‌کننده جریان مباحله که شیعه و سنی آنها را در کتب معتبر خود نقل کرده‌اند، متوجه می‌شویم پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان «پسران»، امام حسن و امام حسین علیهما السلام و به عنوان «زنان»، حضرت زهرا علیها السلام و به عنوان «خودشان»، امیرالمؤمنین علیه السلام را به همراه آورده‌اند.^۳

پس از اینکه مشخص شد مراد از «انفسنا» در این آیه شریفه، امیرالمؤمنین علیه السلام هستند، به اثبات امامت ایشان از این آیه می‌پردازیم:

۱. ﴿آل عمران، آیه ۶۱﴾

۲. برخی به اشتباه واژه «نفس» (مفرد انفسنا) را به معنای جان دانسته‌اند، حال آنکه مراد از نفس در زبان عربی «خود» است.

۳. فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۲۴۷

آیه مباهله و افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام

روزی مأمون عباسی از حضرت امام رضا علیه السلام درباره بزرگترین فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام که در قرآن آمده، پرسید.

امام علیه السلام به آیه مباهله اشاره کردند و فرمودند: مطابق این آیه شریفه و به حکم خداوند علیه السلام امیرالمؤمنین علیه السلام، «نفس» و خود پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و با توجه به افضلیت و برتری پیامبر صلی الله علیه و آله و اینکه هیچ کس افضل و برتر از نفس ایشان نیست، افضلیت و برتری امیرالمؤمنین علیه السلام بر همگان ثابت می‌شود.^۱

مأمون در مقام اشکال به امام علیه السلام پرسید: چرا با توجه به اینکه خود پیامبر صلی الله علیه و آله هم در آن جمع حضور داشتند، مراد از «انفسنا» در این آیه خود حضرت صلی الله علیه و آله نباشند؟

امام علیه السلام پاسخ دادند: زیرا خداوند در این آیه از پیامبر صلی الله علیه و آله خواسته است که «انفسنا» را برای حضور در مباهله دعوت کند و از آنجا که دعوت‌کننده باید غیر از دعوت‌شونده باشد، پس مراد از «انفسنا» باید شخصی غیر از پیامبر صلی الله علیه و آله باشد؛ و چون پیامبر صلی الله علیه و آله مردی غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام را برای مباهله دعوت

۱. این آیه حتی افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام بر همه پیامبران علیهم السلام را نیز ثابت می‌کند؛ چرا که وقتی به اتفاق همه مسلمانان پیامبر صلی الله علیه و آله افضل از همه پیامبران علیهم السلام هستند، نفس و مساوی ایشان که امیرالمؤمنین علیه السلام باشند نیز افضل از همه پیامبران علیهم السلام می‌شوند. (محمدباقر مجلسی، حق‌الیقین، ص ۷۰)

نکرد، متوجه می‌شویم مراد از «انفسنا»، امیرالمؤمنین علیه السلام است و افضلیت ایشان بر همگان، ثابت می‌شود.^۱

آیه مباحله و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام

این آیه از چند جهت بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت می‌کند که ما در اینجا تنها به بیان دو جهت بسنده می‌کنیم:

۱. آیه مباحله - همانطور که از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شد - بر افضلیت و برتری امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت می‌کند؛ و با وجود شخص افضل و برتر، امامت به غیر افضل نمی‌رسد و هیچ عاقلی با وجود شخص افضل و برتر به امامت و رهبری شخص غیر افضل، رضایت نمی‌دهد.

از این‌رو وقتی پس از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، دیگرانی با پشت پا زدن به آیات قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ناحق ادعای خلافت کردند، امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن ردّ شایستگی آنان برای مقام خلافت، با اشاره به فضائل خودشان از جمله حضور در جریان مباحله، به اثبات افضلیت و در نتیجه امامت و خلافت خود پرداختند.^۲

چنانچه در شورای شش نفره‌ای که برای تعیین خلیفه تشکیل شده بود نیز حضرت با استناد به ویژگی‌های خود

۱. مفید، الفُصُولُ الْمُخْتَارَةُ، ص ۳۸

۲. صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۵۵۰

از جمله حضور در جریان مباحثه در کنار پیامبر ﷺ به اثبات
افضلیت و در نتیجه امامت و خلافت خودشان پرداختند و حجت
را بر دیگر مدعیان خلافت حاضر در شورا تمام کردند.^۱

۲. مطابق آیه مباحثه خداوند از پیامبر ﷺ خواسته که «انفسنا»
را دعوت کند؛ و چنانچه گفته شد از آنجا که دعوت کننده باید
غیر از دعوت شونده باشد، متوجه می شویم مراد از «انفسنا»،
شخص پیامبر ﷺ نیست، بلکه شخصی است که در فضائل و
مناقب مساوی و برابر با ایشان می باشد.^۲ حال باید به این
پرسش پاسخ داد که آیا وقتی قرار باشد برای کسی خلیفه و
جانشین مشخص شود، با وجود شخصی که خدا، او را همانند
خود پیامبر ﷺ و همتای او دانسته، نوبت به دیگران می رسد؟!
آیا با وجود امیرالمؤمنین علیه السلام که به فرموده خداوند در قرآن،
همانند خود پیامبر ﷺ است، خلافت و جانشینی پیامبر ﷺ و
امامت و رهبری امت اسلامی، به غیر ایشان می رسد؟!

این نکته شاید از نظر برخی عجیب باشد اما توجه به یک
روایت، درستی این امر را ثابت می کند. یکی از اصحاب از
پیامبر ﷺ درباره امیرالمؤمنین علیه السلام سوال کرد؛ حضرت در مقام
پاسخ فرمودند:

۱. طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۹: «قَالَ نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ أَخَذَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ بِيَدِهِ وَابْنَيْهِ حِينَ آزَادَ أَنْ يُبَاهِلَ نَصَارَى أَهْلِ نَجْرَانَ غَيْرِي؟ قَالُوا لَا»
۲. علامه حلی، الباب الحادی عشر، ص ۹۸۱؛ میلانی، جواهر الکلام، ج ۳، ص ۳۲۷

«از من تنها درباره مردم سوال کنید و درباره خودم
از من سوال نکنید»^۱.

برای مطالعه بیشتر

- الغدير في الكتاب و السنة و الأدب، علامه اميني، جلد اول
- جواهر الكلام في معرفه الامامه و الامام، آيت الله ميلاني،
جلد چهارم
- نگاهی به تفسیر آیه مباحله، آیت الله میلانی
- آینه خورشید شد (شمیمی از بوستان مباحله)، به کوشش
عباسعلی مردی

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۱۷: «إِنَّمَا سَأَلْتَنِي عَنِ النَّاسِ وَ لَمْ
تَسْأَلْنِي عَن نَفْسِي»

پیوست‌ها

پیوست ۱

برخی از رخداد‌های امامتی ماه ذی‌الحجه

رخداد امامتی	روز	
سالروز ازدواج امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> و حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>	۱ ذی‌الحجه	۱
سالروز مأموریت یافتن امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> برای ابلاغ سوره براءت بعد از عزل مأمورین قبلی به دستور خداوند	(و به روایتی ۶ ذی‌الحجه)	
سالروز سدالابواب و بسته‌شدن درهای منازل اصحاب به مسجد به جز در خانه امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> به دستور خداوند	۹ ذی‌الحجه	۲
افشاء سرّ ولایت و نزول آیات ۳ تا ۱۰ سوره براءت	۱۱ ذی‌الحجه	۳
سالروز اعطای فدک به حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> به دستور خداوند و پس از نزول آیه «وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» ﴿اسراء، آیه ۲۶﴾	۱۴ ذی‌الحجه	۴
عید سعید غدیر خم و نزول آیات «تبلیغ»، «اکمال دین» و «عذاب» و صدور حدیث شریف غدیر	۱۸ ذی‌الحجه	۵
آغاز حکومت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> در سال ۳۵ هجری قمری		

سالروز خاتمه بخشی امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> و نزول آیه ولایت و صدور حدیث ولایت	۲۴ ذی الحجّه	۶
سالروز فداکاری اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و نزول سوره هل ائی		
سالروز مباحله با حضور اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و نزول آیه مباحله		

پیوست ۲

برخی از آیات دلالت کننده بر امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام

ترجمه فارسی	متن عربی	نام آیه	
« و از مردم کسی [امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>] است که جانش را برای خشنودی خدا می فروشد [و در لیلۀ المبعیت به جای پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> می خوابد].»	«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»	آیه اِشْتِرَاءِ ^۱	۱
«ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و از پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و صاحبان امر خودتان [که معصومین <small>علیهم السلام</small>] می باشنند] اطاعت کنید.»	«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»	آیه أُولُوا الْأَمْرِ ^۲	۲

۱. ﴿بقره، آیه ۲۰۷﴾

۲. ﴿نساء، آیه ۵۹﴾

<p>«همواره خدا می خواهد هرگونه پلیدی را تنها از شما اهل بیت [که به روایت شیعه و سنی پیامبر، امیرالمؤمنین، فاطمه، حسن و حسین <small>علیهم السلام</small>] برطرف نماید، و شما را چنان که شایسته است [از همه گناهان و معاصی] پاک و پاکیزه گرداند.»</p>	<p>«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»</p>	<p>آیه تطهیر^۱</p>	<p>۳</p>
<p>«بگو: از شما [در برابر ابلاغ رسالت] هیچ پاداشی جز مودت نزدیکان [که بنابر روایات بسیار اهل بیت <small>علیهم السلام</small>] هستند] را نمی خواهم.»</p>	<p>«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»</p>	<p>آیه مودت^۲</p>	<p>۴</p>
<p>«اگر نمی دانید از اهل ذکر [معصومین <small>علیهم السلام</small>] بپرسید.»</p>	<p>«فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»</p>	<p>آیه اهل الذکر^۳</p>	<p>۵</p>
<p>«ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا پروا کنید و با صادقان [معصومین <small>علیهم السلام</small>] باشید.»</p>	<p>«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»</p>	<p>آیه صادقین^۴</p>	<p>۶</p>

۱. ﴿احزاب، آیه ۳۳﴾

۲. ﴿شوری، آیه ۲۳﴾

۳. ﴿انبیاء، آیه ۷﴾

۴. ﴿توبه، آیه ۱۱۹﴾

پیوست ۳

برخی از روایاتِ دلالت‌کننده بر امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام

ترجمه فارسی	متن عربی	نام حدیث	
<p>«من در میان شما دو امانت نفیس و گرانبها می‌گذارم: یکی کتاب خدا قرآن و دیگری عترتم اهل بیت را. تا وقتی که به این دو تمسک جویند، هرگز گمراه نخواهید شد و این دو هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌شوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند».</p>	<p>«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي اهل بيتي ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا أبداً لن يفترقا حتى يردا على الحوض»</p>	حدیث ثقلین	۱
<p>«مثل اهل بیت من در میان شما همانند مثل کشتی نوح <small>علیه السلام</small> است، هر کس به این کشتی سوار شود نجات می‌یابد، و هر کس جا بماند و از آن تخلف ورزد، غرق و نابود می‌شود».</p>	<p>«إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ دَخَلَهَا نَجِيَ، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ»</p>	حدیث سفینه	۲

<p>«برای پیامبر ﷺ مرغ بریانی آورده شد. آن حضرت فرمود: خدا یا! محبوب‌ترین خلق خود را نزد من بفرست تا از این مرغ بخورد. علی <small>رضی الله عنه</small> آمد و با هم آن مرغ را تناول کردند»^۱.</p>	<p>«أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ أَتَى بِطَيْرٍ، فَقَالَ: «اللَّهُمَّ أَتَيْتَنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ يَا كُلِّ مَعِيَ مِنْ هَذَا الطَّيْرِ»، فَجَاءَ عَلِيٌّ <small>رضي الله عنه</small>»</p>	<p>حدیث طیر مشوی</p>	<p>۳</p>
<p>«من شهر دانش‌ام و علی دروازه آن است؛ هر کس دانش می‌جوید، باید از آن دروازه وارد شود».</p>	<p>«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ»</p>	<p>حدیث مدینة العلم</p>	<p>۴</p>
<p>همانا فردا این پرچم را به مردی [امیرالمومنین <small>رضی الله عنه</small>] خواهیم داد که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول هم، او را دوست دارند، خدا خبیر را به دست او می‌گشاید. او هرگز فرار نمی‌کند».</p>	<p>«لَأُعْطِيَنَّ الرَّايَةَ غَدًا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيَّ يَدِيهِ لَيْسَ بِفَرَارٍ»</p>	<p>حدیث رأيت</p>	<p>۵</p>
<p>«ضربه علی <small>رضی الله عنه</small> در روز خندق برتر از عبادت انس و جن است» و یا «برتر از اعمال امت من تا روز قیامت، است»</p>	<p>«ضْرَبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ النَّقْلَيْنِ» و یا «أَفْضَلُ مِنْ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»</p>	<p>حدیث ضربه علی</p>	<p>۶</p>

۱. با این حدیث ثابت می‌شود امیرالمومنین رضی الله عنه محبوب‌ترین خلق خدا و در نتیجه افضل صحابه بوده‌اند و با وجود ایشان، شخص دیگری مستحق امامت نیست. برای آگاهی بیشتر درباره این حدیث به کتاب «نگاهی به حدیث طیر» آیت الله میلانی مراجعه شود.

<p>«پیامبر خدا ﷺ دستور دادند همه درهایی که به مسجد باز می شدند را ببندند مگر درِ خانه علی ﷺ را ... [سپس به اصحابی که بخاطر بسته شدن درِ خانه هایشان از حضرت ناراحت شده بودند]، فرمودند: این من نیستم که درِ خانه های شما را بستم و درِ خانه علی ﷺ را گشودم. این خداوند است که درِ خانه او را گشود و درِ خانه های شما را بست.»</p>	<p>«ان رسول الله ﷺ أَمَرَ بِسَدِّ الْاِبْوَابِ اِلَّا بَابَ عَلِيٍّ ... ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا اَنَا سَدَدْتُ اِبْوَابَكُمْ وَفَتَحْتُ بَابَ عَلِيٍّ وَ لَكِنَّ اللَّهَ فَتَحَ بَابَ عَلِيٍّ وَ سَدَّ اِبْوَابَكُمْ»</p>	<p>حدیث سَدُّ الْاِبْوَابِ</p>	<p>۷</p>
<p>«تو نسبت به من به منزله هارون ﷺ نسبت به موسی ﷺ هستی جز این که بعد از من پیامبری نخواهد بود.»</p>	<p>«أَنْتَ مِثِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، اِلَّا اَنْتَ لَا تَبِيَّ بَعْدِي»</p>	<p>حدیث منزلت</p>	<p>۸</p>

پرسش‌های مسابقه کتاب‌خوانی

۱. با توجه به آیات و روایات نبوی، انتخاب امام بر عهده چه کسی است؟

الف: مردم
ب: پیامبر خدا ﷺ
ج: خدا
د: همه موارد

۲. حدیث نبوی «الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ حَيْثُ يَشَاءُ» بر کدام اعتقاد شیعه دلالت می‌کند؟

الف: لزوم عصمت امام
ب: لزوم وجود امام در هر زمانی
ج: نصب امام بر عهده خداست
د: همه موارد

۳. پیامبر ﷺ برای نخستین بار در چه زمانی، وصی و جانشین خود را مشخص کردند؟

الف: روز غدیر خم
ب: یوم الدار
ج: یوم الخمیس
د: لیلۃ المبیت

۴. با توجه به این نوشتار، در رویداد غدیر خم چند آیه نازل شده است؟

الف: یک آیه
ب: دو آیه
ج: سه آیه
د: چهار آیه

۵. کدامیک از آیات زیر در روز غدیر خم نازل شده است؟

- الف: آیه تبلیغ
ب: آیه اکمال دین
ج: آیه عذاب
د: همه موارد

۶. از کدام آیه برداشت می‌شود که «دین اسلام بدون ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، ناقص و ناکارآمد است»؟

- الف: آیه تبلیغ
ب: آیه اکمال دین
ج: آیه سأل سائل
د: همه موارد

۷. واژه «مولی» در حدیث «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» به چه معناست؟

- الف: محب و دوست
ب: ناصر و یاور
ج: ولی و سرپرست
د: هیچکدام

۸. چرا آیه «اکمال دین» ارتباطی با بیان احکام ندارد؟

الف: احکام بیان شده در این آیه پیشتر هم نازل شده بوده‌اند

ب: پس از این آیه هم باز آیات دیگری درباره احکام نازل شده‌اند

ج: وجود عبارت «لَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ» در آیه

د: همه موارد

۹. اعتراض نعمان بن حارث فهري به حديث غدیر
نشان می دهد:

الف: واژه مولى به معنای مُحِبِّ و دوست است

ب: واژه مولى به معنای ناصر و یاور است

ج: واژه مولى به معنای صاحب اختیار و سرپرست مسلمانان است
د: هیچکدام

۱۰. کدام حديث درباره فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام است؟

الف: حديث يوم الدار ب: حديث سدالابواب

ج: حديث طير مشوى د: همه موارد

۱۱. آیه ولایت در کدام سوره و آیه قرآن کریم آمده است؟

الف: بقره - ۱۲۴ ب: مائده - ۵۵

ج: آل عمران - ۶۱ د: مائده - ۵۶

۱۲. واژه «ولّی» در آیه ولایت به چه معناست؟

الف: محب و دوست ب: ناصر و یاور

ج: ولی امر و سرپرست د: همه موارد

۱۳. چرا جمع بودن عبارت «الذین آمنوا...» منافاتی
با نزول آیه در شان امیرالمؤمنین علیه السلام ندارد؟

الف: تعظیم و بزرگداشت

ب: موارد مشابه فراوان

ج: گزینه الف و ب

د: هیچکدام

۱۴. با کمک چه قرینه‌ای متوجّه می شویم که مراد از واژه «ولی» در آیه ولایت، سرپرست است؟

الف: واژه انّما

ب: اطلاق ولی بر خدا

ج: شان نزول آیه

د: گزینه الف و ج

۱۵. قید «بعدی» در حدیث «علی بن ابی طالب ولیکم بعدی» چه نکته‌ای را به ما می‌فهماند؟

الف: امیرالمؤمنین علیه السلام تنها بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله مُحِبّ و دوست مؤمنین هستند

ب: امیرالمؤمنین علیه السلام تنها بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله ناصر و یاور مومنین هستند

ج: واژه «ولی» در این حدیث به معنای مُحِبّ و ناصر نیست

د: گزینه های الف و ب

۱۶. ماجرای مباهله در کدام سوره و آیه آمده است؟

الف: بقره - ۱۲۴

ب: مائده - ۵۵

ج: احزاب - ۳۳

د: آل عمران - ۶۱

۱۷. چرا مراد از «انفسنا» در آیه مباهله نمی‌تواند

خود پیامبر ﷺ باشند؟

الف: لزوم تفاوت دعوت کننده و دعوت شونده

ب: اضافه انفس به ضمیر «نا»

ج: عطف «انفسکم» به «انفسنا»

د: همه موارد

۱۸. به فرموده امام رضا علیه السلام بزرگترین فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن در کدام آیه آمده است؟

الف: آیه ولایت

ب: آیه اولوالامر

ج: آیه مباحله

د: آیه مودت

۱۹. آیه مباحله دال بر کدام مقام و منزلت امیرالمؤمنین علیه السلام است؟

الف: امامت

ب: خلافت

ج: افضلیت

د: همه موارد

۲۰. در چه مواردی امیرالمؤمنین علیه السلام برای اثبات امامت و خلافت خود به آیه مباحله تمسک کرده‌اند؟

الف: احتجاج پس از شهادت پیامبر ﷺ

ب: روز غدیر خم

ج: شواری شش نفره تعیین خلیفه

د: گزینه‌های الف و ج

کتاب نامہ

قرآن کریم

کتب شیعہ

- ابن بابویہ، محمد بن علی، خصال، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، ناشر: جامعہ مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش
- ابن شہر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیہ السلام، قم، ناشر: علامہ، چاپ اول، ۱۳۷۹ ق
- امینی، عبدالحسین، الغدير فی الكتاب و السنه و الأدب، قم، ناشر: مرکز الغدير للدراسات الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ. ق
- بحرانی، سیدہاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسۃ البعثہ قم، ناشر: بنیاد بعثت، تہران، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق
- جلی، فاضل مقداد، ابوالفتح بن مخدوم حسینی، الباب الحادی عشر مع شرحیہ النافع یوم الحشر و مفتاح الباب، مقدمہ و تحقیق: دکتر مہدی محقق، تہران، ناشر: مؤسسہ مطالعات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۵ ش
- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزہ قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق

● طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: با مقدمه محمد جواد بلاغی، ناشر: انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش

● طبرسی، الإحتجاج، مشهد، ناشر: نشر المرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق

● عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، ناشر: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق

● کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق/مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ه. ق

● مجلسی، حق الیقین، بیجا، ناشر: انتشارات اسلامیة، بیتا (نرم افزار کتابخانه کلام اسلامی نور)

● معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم، ناشر: موسسه فرهنگی تمهید، چاپ ششم، بهار ۱۳۸۴ ش

● مفید، محمد بن محمد، الفصول المختاره، محقق/مصحح: میرشریفی، علی، قم، ناشر: کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق

● مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش

● میلانی، سیدعلی، جواهر الکلام فی معرفه الامامه و الامام، قم، ناشر: انتشارات الحقائق، چاپ دوم، ۱۳۹۳ ش

● نجارزادگان، فتح‌الله، بررسی تطبیقی تفسیر آیات و لایت در دیدگاه فریقین، بی‌جا، ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری سمت، چاپ پنجم، پاییز ۱۳۹۱ش

کتاب اهل سنت

● آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت، ناشر: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق

● ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، محقق: غضبان، عامر و ...، بیروت، ناشر: مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ. ق

● الأشعری، أبو الحسن علی بن إسماعیل، مقالات الإسلامیین واختلاف المصلین، المحقق: نعیم زرزور، بی‌جا، ناشر: المكتبه العصریه، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق - ۲۰۰۵ م

● الأندلسی القرطبی، علی بن أحمد بن سعید بن حزم، المحلی، بی‌جا، الناشر: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بی‌تا (نرم افزار المكتبه الشامله)

● الإیجی، عضدالدین عبدالرحمن بن أحمد، کتاب المواقف، تحقیق: د. عبدالرحمن عمیره، الناشر: دار الجیل، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۷ م

● بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، قاهره، ناشر:

وزارة الاوقاف مصر العربيه، چاپ دوم، ۱۴۱۰هـ. ق

● ذهبى، اسماعيل بن عمر، البدائنه و النهايه، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۷ق، ۱۹۸۶م

● زمخشرى، محمود، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، ناشر: دار الكتاب العربى، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق

● طبرى، أبو جعفر محمد بن جرير، تاريخ الأمم و الملوك، تحقيق: محمد أبو الفضل ابراهيم، بيروت، ناشر: دار التراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م.

● طبرى، ابو جعفر محمد بن جرير، جامع البيان فى تفسير القرآن، ناشر: دارالمعرفه، بيروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق

● غزالى، ابو حامد، سر العالمين وكشف ما فى الدارين، بى جا، بى نا، بى تا (نرم افزار المكتبه الشامله)

● فخرالدين رازى، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، بيروت، ناشر: دار احياء التراث العربى، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق

● نيشابورى، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، مصحح: عبدالباقي، محمدفؤاد، قاهره، ناشر: دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ. ق

● نيشابورى، نظام الدين حسن بن محمد، تفسير غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بيروت، ناشر: دار الكتب العلميه، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق

فهرست تفصیلی

- ۹..... سرآغاز
- ۱۱..... مقدمه
- ۱۳..... پیش‌گفتار
- ۱۳..... نکته اول: خدا، پیامبر ﷺ و یا مردم؟
- ۱۴..... نکته دوم: انتخاب امام بر عهده چه کسی است؟
- ۱۶..... نکته سوم: جانشین پیامبر خدا ﷺ کیست؟!
- ۱۹..... نکته چهارم: آیات و روایات امامتی
- ۲۳..... ❖ **آیه نخست: آیه تبلیغ**
- ۲۴..... آخرین جایگاه اعلان عمومی امامت
- ۲۸..... دلالت حدیث غدیر بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۸..... آیا می‌توان با حدیث غدیر، امامت امیرالمؤمنین علیه السلام را اثبات کرد؟
- ۳۱..... چند نکته درباره آیه تبلیغ
- ۳۵..... ❖ **آیه دوم: آیه اکمال دین**
- ۳۶..... کامل‌شدن دین اسلام
- ۳۷..... پاسخ به پرسشی پیرامون آیه اکمال

کامل شدن دین با بیان احکام صورت گرفت و یا با اعلام امامت؟..... ۳۸

چرا آیه «اکمال دین» در میان آیات احکام آمده است؟..... ۴۰

❖ آیه سوم: آیه عذاب..... ۴۳

اعتراض به پیامبر ﷺ و آمدن سنگ آسمانی..... ۴۴

برکات سنگ آسمانی..... ۴۵

❖ آیه چهارم: آیه ولایت..... ۴۸

داستان ولایت و خاتم بخشی..... ۴۹

چگونه آیه ولایت بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت دارد؟!..... ۵۲

معنای واژه «ولّی»..... ۵۳

واژه «ولّی» در آیه ولایت به چه معناست؟..... ۵۴

قرینه نخست: واژه «انّما» مفید حصر است..... ۵۵

قرینه دوم: شأن نزول آیه ولایت..... ۵۶

دو پرسش مهم..... ۵۷

۱- چرایی نیامدن نام امیرالمؤمنین علیه السلام در آیه..... ۵۷

۲- چرایی جمع آمدن الفاظ آیه..... ۶۰

دو نکته پیرامون آیه ولایت..... ۶۲

۱- حضور قلب امیرالمؤمنین علیه السلام در نماز..... ۶۲

۲- ولایت دو نفر در یک زمان..... ۶۳

- ❖ آیه پنجم: آیه مباهله..... ۶۶
- داستان مباهله..... ۶۷
- چگونه آیه مباهله بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت دارد؟!..... ۷۱
- آیه مباهله و افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام..... ۷۳
- آیه مباهله و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام..... ۷۴
- پیوست‌ها..... ۷۷
- پیوست ۱..... ۷۷
- برخی از رخدادهای امامتی ماه ذی‌الحجه..... ۷۷
- پیوست ۲..... ۷۸
- برخی از آیات دلالت‌کننده بر امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام..... ۷۸
- پیوست ۳..... ۸۰
- برخی از روایات دلالت‌کننده بر امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام..... ۸۰
- پرسش‌های مسابقه کتاب‌خوانی..... ۸۳
- کتاب‌نامه..... ۸۸
- کتب شیعه..... ۸۸
- کتب اهل سنت..... ۹۰
- فهرست تفصیلی..... ۹۳

